

# سوالات متن تمام دروس فلسفه ی دوازدهم انسانی

خلیل شبانی نژاد دبیر فلسفه و منطق - استان فارس - شهرستان لامرد

## درس اول: هستی و چیستی

صفحه ۲ تا ۷

### سوالات متن

۱- یکی از مباحث اولیه فلسفه چیست؟ چرا؟ ص ۲

یکی از مباحث اولیه فلسفه، تعیین نسبت دو مفهوم هستی و چیستی (وجود و ماهیت) است؛ زیرا این دو مفهوم از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان ها هستند و معمولاً در کنار هم به کار می روند.

۲- انسان در هر چیزی که مشاهده می کند چند حثیت می یابد؟ نام ببرید. ص ۳  
دو حثیت می یابد: ۱- حثیت موجود بودن ۲- حثیت چیستی داشتن.

۳- وقتی می گوئیم هستی و چیستی دو جنبه یک چیزند، به چه معناست؟ با مثال توضیح دهید. ص ۴  
وقتی می گوئیم «هستی» و «چیستی» دو جنبه از یک چیزند، به این معنا نیست که آن ها دو جزء از یک چیزند که با هم ترکیب شده اند، بلکه تفاوت این دو فقط در «ذهن» و از جهت «مفهوم» است و الا در خارج دو چیز جداگانه به نام «وجود» و «درخت» نداریم.

نکته مهم ← درخت و وجود، دو مفهوم مختلف اند نه دو موجود جداگانه، یعنی در ذهن و فهم آنها را از هم جدا می کنیم و در خارج از ذهن آنها دو چیز نیستند و در مصداق یکی هستند.

توضیح: وقتی ما در بوستان (عالم خارج از ذهن) درختی را می بینیم پی به وجودش می بریم و بعد در ذهن در قالب یک قضیه منطقی وجود را بر درخت حمل می کنیم و می گوئیم: «درخت وجود دارد». وجود غیر از درخت است اما این تفاوت از نظر مفهوم و در ذهن است و از نظر مصداق و در عالم خارج، یک چیز بیشتر نیست.

۴- چه تفاوتی در حمل «وجود» بر انسان با حمل «حیوان ناطق» بر انسان وجود دارد؟ ص ۵

در قضیه «انسان موجود است»، ۱- ضروری و قطعی نیست (چون انسان هم می تواند باشد هم نباشد اما حیوان ناطق بودن برای انسان ضروری است)، ۲- به دلیل نیاز دارد ۳- موجود بودن با انسان به یک معنا نیست.

اما در قضیه (انسان حیوان ناطق است) ۱- ضروری و قطعی است (چون انسان باید حیوان ناطق باشد و نمی توان



گفت: انسان می تواند حیوان ناطق باشد یا نباشد و حیوان ناطق بودن برای انسان ضروری است) ، ۲- به دلیل نیاز ندارد و کسی از ما نمی پرسد که چرا انسان حیوان ناطق است ۳- حیوان ناطق بودن با انسان به یک معنا است زیرا هرچه که انسان است حیوان ناطق نیز می باشد و هرچه که حیوان ناطق است انسان نیز می باشد. بطور خلاصه، حمل وجود بر ماهیت و نسبت دادن وجود به یک ماهیتی حتمی و قطعی نیست و لذا نیازمند دلیل است.

۵- نظریه مغایرت وجود و ماهیت باعث شکل گیری چه برهانی از سوی ابن سینا شده است؟ ص ۶  
به علت توجه خاص ابن سینا، این بحث با عنوان « مغایرت وجود و ماهیت » این نظر، پایه یکی از برهان های ابن سینا در اثبات وجود خدا به نام برهان « وجوب و امکان » نیز می باشد

۶- منظور از مکتب تومیسیم در فلسفه اروپا چیست؟ ص ۶  
یکی از فیلسوفان بزرگ اروپا به نام « توماس آکوئیناس » که با فلسفه ابن سینا آشنا بود، اصل مغایرت وجود و ماهیت را در اروپا گسترش داد و موجب مناقشات فراوانی در آنجا شد. او همچون ابن سینا این نظر را پایه برهان های خود در خداشناسی قرار داد و پایه گذار مکتب فلسفی به نام « تومیسیم » در اروپا شد.

۷- چه چیز باعث شدتا فلاسفه غرب مجدداً با فلسفه ارسطویی آشنا شوند؟ ص ۶  
نتیجه آشنایی فلاسفه اروپایی با دیدگاه های «ابن سینا» و تا حدودی «ابن رشد» در قرون وسطی تا رنسانس ، فرصتی فراهم آورد تا فلاسفه غرب از طریق ابن سینا و ابن رشد مجدداً با فلسفه ارسطویی آشنا شوند.

## درس دوم: جهان ممکنات

صفحه ۸ تا ۱۲

### سوالات متن

۱- اصطلاحات زیر را تعریف کنید. ص ۲

**رابطه امکانی:** محمول قضایا برای موضوعشان ضروری نیستند بلکه ممکن هستند؛ یعنی، هم می توانند این محمول را بپذیرند و هم نپذیرند. مانند: خربزه میوه شیرینی است

**رابطه ضروری:** محمول قضایا برای موضوعشان ضروری است. مانند: فیل جاندار است

**رابطه امتناعی:** برقراری ارتباط میان موضوع و محمول غیرممکن است؛ یعنی ارتباط موضوع و محمول محال و ممتنع است. مانند: مربع سه زاویه دارد



**واجب الوجود بالذات:** همان ذاتی است که وجود برایش ضرورت دارد و این ضرورت، از ناحیه خود آن ذات است نه از ناحیه یک امر بیرونی. مانند: خداوند یکتا

**واجب الوجود بالغیر:** اشیاء جهان، چون ذاتا ممکن الوجودند، به واجب الوجود بالذاتی نیاز دارند که آنها را نسبت به وجود از حالت امکانی خارج کند و وجود را برای آنها ضروری و واجب نماید. بنابراین اشیای جهان واجب الوجود بالغیر هستند مانند موجوداتی که اکنون در این جهان وجود دارند

**۲- در قضایای « عدد هشت فرد است » و « تعداد موجودات روی زمین بی نهایت است » رابطه موضوع و محمول چگونه است؟ توضیح دهید.** برقراری ارتباط میان موضوع و محمول غیرممکن است؛ یعنی محال و ممتنع است که عدد هشت فرد باشد، موجودات روی زمین نامحدود باشند.

**۳- اشیا ممکن الوجودند یعنی چه؟**

یعنی ذات و ماهیت اشیاء به گونه ای نیست که حتما باید باشد. همچنین، به گونه ای هم نیست که بودن آنها محال باشد. این اشیاء ذاتا می توانند باشند یا نباشند.

**۴- از نظر فارابی و ابن سینا میان ماهیات و وجود چه نوع رابطه ای برقرار است؟ ص ۱۱**  
این موجودات در ماهیت و ذات خود، ممکن الوجود هستند و با «وجود» رابطه امکانی دارند،

**۵- چرا با اینکه موجودات ممکن، فقط امکان وجود را دارند، اکنون موجودند و جهان موجودات را تشکیل داده اند. ص ۱۱**  
اگرچه این قبیل موجودات در ماهیت و ذات خود، ممکن الوجود هستند و با «وجود» رابطه امکانی دارند، یعنی می توانند باشند و هم می توانند نباشند اما همین رابطه امکانی به آنها اجازه می دهد که اگر علت وجود آنها فراهم شود، و همه علل و عواملی که برای بوجود آمدن آنها لازم است فراهم شود، آنها نیز پا به اقلیم وجود بگذارند و موجود شوند.

**۶- رابطه امکانی را توضیح دهید. و مثال بزنید. ص ۱۱**

محمول قضایا برای موضوعشان ضروری نیستند بلکه ممکن هستند؛ یعنی، هم می توانند این محمول را بپذیرند و هم نپذیرند. مثال: فردا هوا سرد است. - خربزه میوه ی شیرینی است.

**۷- از نظر ابن سینا چرا اشیاء جهان، واجب الوجود بالغیر هستند؟ ص ۱۱**

موجوداتی که در این عالم وجود دارند چون ممکن الوجود هستند به خودی خود نمی توانند بوجود بیایند بلکه باید برای بوجود آمدن به مرحله وجوب و ضرورت برسند و واجب الوجود شوند و وجود و هستی برای آنها ضرورت و حتمیت داشته باشد تا بوجود آیند، اما چون این موجودات ممکن الوجود هستند، در ذات و درون خود این ضرورت و وجوب ندارند و باید از موجودی غیر از خودشان ضرورت و وجوب کسب کنند تا بوجود آیند، به این خاطر به آنها واجب الوجود بالغیر گویند.



# درس سوم: جهان ممکنات

صفحه ۱۳ تا ۲۰

## سوالات متن

### ۱- علت را تعریف نمایید. ص ۱۴

چیزی است که وجود معلول متوقف بر آن است و تا آن نباشد معلول هم پدید نمی آید یعنی در وجود خود به آن نیازمند است

### ۲- معلول را تعریف نمایید. ص ۱۴

چیزی است که وجودش را از چیز دیگر - که همان علت است می گیرد؛ یعنی در وجود خود نیازمند دیگری است

### ۳- رابطه علیت را تعریف نمایید. ص ۱۴

رابطه علیت: رابطه وجود بخشی میان علت و معلول را رابطه علیت می گویند. علیت رابطه ای وجودی است که در آن، یک طرف (علت) به طرف دیگر (معلول) وجود می دهد.

### ۴- چرا رابطه علت یک رابطه وجودی است؟ ص ۱۴

زیرا یک طرف که همان علت باشد، به طرف دیگر (معلول)، وجود و هستی می دهد به عبارت دیگر: اگر علت نباشد معلول به وجود نمی آید. یا یکی (معلول) وجودش وابسته به دیگری (علت) است. مانند رابطه دوستی نیست که در آن ابتدا وجود دو فرد فرض می شود و سپس میان آنها دوستی برقرار می گردد. بطور خلاصه، حمل وجود بر ماهیت و نسبت دادن وجود به یک ماهیتی حتمی و قطعی نیست و لذا نیازمند دلیل است.

### ۵- دو دیدگاه در میان فیلسوفان اروپایی در خصوص منشأ پذیرش درک رابطه علیت را بنویسید. ص ۱۵

۱- عقل گرا      ۲- تجربه گرا

### ۶- دیدگاه دکارت را در مورد منشأ پذیرش درک رابطه علیت بنویسید. ص ۱۵

دکارت معتقد بود که اصل علیت بدون دخالت تجربه به دست می آید و جزء مفاهیم اولیه ای است که انسان آن را به طور فطری درک می کند؛ یعنی هر انسانی، با درکی از رابطه علیت متولد می شود و درک این رابطه نیاز به تجربه و یا آموزش ندارد ولی یافتن مصداق های علت و معلول نیازمند تجربه و آموزش است.

### ۷- دیدگاه فلاسفه تجربه گرا (آمپریست ها) را در مورد منشأ پذیرش درک رابطه علیت بنویسید. ص ۱۶

آنها معتقدند که انسان از طریق حس به توالی پدیده ها پی می برد و رابطه علیت را بنا می نهد. مثلاً چون زمین همواره با آمدن خورشید، روشن می شود و با ناپدید شدن آن، تاریک می گردد، انسان متوجه رابطه ای میان این دو پدیده شده و دانسته که تا خورشید نیاید، زمین هم روشن نمی شود، یعنی یک رابطه ضروری میان طلوع خورشید و روشن شدن زمین یافته و اسم این رابطه را «علیت» گذاشته است.



## ۸- تفاوت دیدگاه دکارت و آمپریست ها در رابطه با منشا درک رابطه علیت چیست؟ ص ۱۶

به نظر دکارت منشا درک علیت درونی و فطری است اما آمپریست ها منشا درک را در عالم خارج و توالی پدیده ها می جویند

## ۹- دیدگاه هیوم درباره منشأ پذیرش درک رابطه علیت بنویسید. ص ۱۶

هیوم که فیلسوف تجربه گراست، «امکان معرفت و درک علیت» را از طریق استدلال عقلی و بدون کمک تجربه را رد می کند اما معتقد است که درک اصل علیت و رابطه ضروری از طریق حس و تجربه هم ممکن نیست زیرا فراتر از حس است و محسوس نیست تا با حس درک شود، مثلاً چشم، می بیند که با آمدن خورشید به آسمان زمین روشن می شود اما اینکه خورشید «علت» روشنی زمین باشد، چنین چیزی با حس قابل رؤیت نیست.

او منشا اعتقاد به علیت را یک «عادت ذهنی» یعنی «امر روانی ناشی از توالی پدیده ها» می داند و او این حالت ذهنی را تداعی می نامد و می گوید تداعی چیزی جز یک امر روانی ناشی از توالی و پشت سرهم آمدن پدیده ها نیست. از این طریق است که ما پنداشته ایم یک رابطه ضروری میان طلوع خورشید و روشن شدن زمین برقرار است.

## ۱۰- دیدگاه فلاسفه مسلمان درباره منشأ پذیرش درک رابطه علیت بنویسید. ص ۱۷

فلاسفه مسلمان می گویند اصل علیت یک اصل و قاعده «عقلی» است و از تجربه به دست نمی آید، آنها می گویند: هر تلاش تجربی خود مبتنی بر اصل علیت است. اما این گونه هم نیست که انسان به طور مادرزادی در همان بدو تولد با این قاعده آشنا بوده و آن را درک می کرده است. آنان می گویند: همین که ذهن انسان شکل گرفت و متوجه اصل «امتناع اجتماع نقیضین» شد، در می یابد که پدیده ها خود به خود به وجود نمی آیند؛ زیرا «این که چیزی خودش به وجود بدهد، به معنای آن است که، چیزی که نیست، قبلاً باشد تا بتواند خودش را به وجود بیاورد و این، همان اجتماع نقیضین است که محال بودن آن بدیهی است.»

## ۱۱- ابن سینا دیدگاه هیوم درباره علیت (امر روانی ناشی از عادت ذهنی در توالی پدیده ها) از قبل چگونه جواب داده است؟

ص ۱۷

ابن سینا می گوید: درک رابطه علیت از طریق تجربه امکان پذیر نیست؛ زیرا ما از طریق حس و تجربه فقط به دنبال هم آمدن یا همراه هم آمدن برخی پدیده ها را می یابیم اما به دنبال هم آمدن دو حادثه به معنای «علیت» نیست. لذا طبیعی است که کسی که صرفاً تجربه گرا است، نمی تواند از اصل علیت تبیین قانع کننده ای داشته باشد. ابن سینا اصل علیت را اصلی عقلانی می داند.

## ۱۲- تفاوت دیدگاه فلاسفه مسلمان با تجربه گرایان در استفاده از حس و تجربه در اصل علیت چیست؟ ص ۱۸

تفاوت دیدگاه فلاسفه مسلمان با تجربه گرایان در رابطه شناخت «حوادث طبیعی» که محل وقوع آن عالم طبیعت است، این است که آنها می گویند: بعد از درک رابطه علیت، برای اینکه علت حوادث طبیعی را بدانیم، باید از حس و تجربه خود استفاده کنیم و کشف علل طبیعی (عالم ماده) از راه حس و تجربه صورت می گیرد نه همه امور

## ۱۳- منظور از اصل سنخیت علت و معلول چیست؟ ص ۱۹

یعنی هر علتی معلول خاص خود را به دنبال دارد و هر معلولی از علت خاص خود به وجود می آید نه هر علتی.

## ۱۴- شناخت اصل سنخیت علت و معلول چه آثار و نتایج دارد؟ ص ۱۹

۱- انسان از هر چیزی انتظار آثار متناسب با خودش را دارد؛ به همین سبب، می کوشد ویژگی های هر شیء را بشناسد و به تفاوت



- های آن با اشیای دیگر پی ببرد تا بهتر بتواند آثار ویژه آن را شناسایی کند.
- ۲- با قبول اصل سنخیت می توان برای نظم دقیق جهان پشتوانه عقلی قائل شد.
- ۳- دانشمندان با تکیه بر همین اصل، تحقیقات علمی خود را پیگیری می کنند.

### ۱۵- منظور از اصل وجوب علی و معلولی چیست؟ ص ۱۹

علت به معلول خود در ابتدا ضرورت می بخشد و سپس معلول وجود پیدا می کند. این رابطه ضرورت بخشی علت به معلول را « وجوب علی و معلولی » می گویند

## درس چهارم: کدام تصویر از جهان؟

صفحه ۲۱ تا ۲۷

### سوالات متن

#### ۱- دموکریتوس، فیلسوف یونان باستان، درباره ماده اولیه جهان چه دیدگاهی دارد؟ ص ۲۱

دموکریتوس، فیلسوف یونان باستان، معتقد بود که ماده اولیه تشکیل دهنده جهان، اتم ها و ذرات ریز تجزیه ناپذیر و غیر قابل تقسیمی هستند که در فضای غیرمتناهی پراکنده بوده و به شکلی سرگردان حرکت می کرده اند. برخورد اتفاقی این ذرات سرگردان سبب پیدایش عناصر و اشیای فعلی در جهان شده است.

#### ۲- دو نمونه از نظریات دانشمندان علوم طبیعی را پیرامون اتفاق بنویسید. ص ۲۲

برخی دانشمندان زیست شناس، میگویند: از ابتدای پیدایش موجود زنده بر روی زمین، جانداران بی شماری پدید آمده اند که بیشتر آنها، به علت ناسازگاری با محیط زندگی، از بین رفته اند. فقط آن دسته از جانداران که تغییرات بدنی آنها «اتفاقاً» سازگار با محیط بوده به حیات خود ادامه داده، رشد کرده اند و تکثیر شده اند.

و نیز برخی از فیزیک دانان احتمال می دهند که جهان کنونی ما، یعنی این میلیاردها کهکشان، بر اثر یک انفجار بزرگ - مه بانگ - آغاز شده و به تدریج گسترش یافته است. این بیان باعث شده برخی تصور کنند پیدایش این جهان، اتفاقی و بدون یک علت وجوددهنده بوده است.

#### ۳- از سه اصل (علیت، وجوب بخشی علت به معلول و سنخیت میان علت و معلول)، به ترتیب چه نتایج بدست می آید؟ ص ۲۳

از اصل علیت، ارتباط و پیوستگی میان هر شیء و منشأ آن

از اصل وجوب بخشی علت به معلول، تخلف ناپذیری و حتمیت در نظام هستی

از اصل سنخیت میان علت و معلول، نظم و قانونمندی های معین میان دسته های مختلف پدیده ها، بدست می آید.

#### ۴- چهار معنی اتفاق که در میان عامه مردم بکار می رود را بنویسید. ص ۲۴

معنای اول اتفاق: این است که میان حوادث جهان و پدیده های آن هیچ رابطه ضروری نیست؛

معنای دوم اتفاق: این است که سنخیتی میان اشیا و آثار آنها نیست.

معنای سوم اتفاق: نبودن غایت و هدف خاص در حرکات و نظم جهان است؛

معنای چهارم اتفاق: عبارت است از رخ دادن حوادث پیش بینی نشده.



## ۵- چرا فلاسفه اتفاق را به این معنا که میان حوادث جهان و پدیده‌های آن هیچ رابطه ضروری نیست؛ قبول ندارند؟ ص ۲۴

فیلسوفی را سراغ نداریم که به طور صریح و روشن با معنای اول اتفاق (میان حوادث جهان و پدیده‌های آن هیچ رابطه ضروری نیست) موافق باشد. همه فیلسوفان چنین اتفاقی را انکار می‌کنند و می‌گویند چون هر معلولی به علت نیاز دارد و یک رابطه ضروری میان علت و معلول آن است، نمی‌شود که میان حوادث رابطه‌ای ضروری برقرار نباشد. مثلاً اگر عوامل پیدایش باران وجود داشته باشد حتماً باران خواهد بارید

## ۶- چرا برخی از مردم، فکر می‌کنند اتفاق به این معنا که میان حوادث جهان و پدیده‌های آن هیچ رابطه ضروری نیست؛ وجود دارد؟ ص ۲۴

زیرا برخی از مردم از تمام اجزای یک علت آگاه نیستند، بر همین اساس گاهی فکر می‌کنند که در برخی موارد، در عین وجود علت، معلول آن پدید نیامده است و براین اساس، می‌پندارند، میان علت و معلول، رابطه ضروری وجود ندارد

## ۷- علت ناقصه و تامه را تعریف کنید؟ ص ۲۴ و ۲۵

در آنجا که معلول ناشی از مجموعه چند عامل است که روی هم، علت پدید آمدن آن معلول اند، هر یک از عوامل را «علت ناقصه» و مجموعه عوامل را «علت تامه» می‌گویند

## ۸- چرا بسیاری از فلاسفه از جمله ابن سینا، ملاصدرا و علامه طباطبایی و برخی فلاسفه اروپایی اتفاق را به معنای نبودن سنخیت میان علت و معلول؛ قبول ندارند؟ ص ۲۵

زیرا

۱- قبول این معنای اتفاق، نفی اصل سنخیت علت و معلول را به دنبال دارد.

۲- به هیچ کاری دست نخواهد زد؛ مثلاً نمی‌تواند برای رفع عطش آب بیاشامد؛ زیرا میان آب و رفع عطش رابطه‌ای مشاهده نمی‌کند.

۳- چنین فردی نمی‌تواند نظم و هماهنگی موجود در طبیعت را تبیین کند و دلیل آن را به دست آورد.

۴- نمی‌تواند دانشمندان را به کشف علل پدیده‌ها تشویق نماید.

۵- بی‌اعتباری همه علوم و بی‌اعتنایی به آنها را به دنبال دارد

۶- متناقض با یک هستی نظام مند و قانون مند است.

## ۹- قبول اتفاق به معنی نبودن غایت و هدف خاص در حرکات و نظم جهان، چه آثار و پیامدهایی به دنبال دارد؟ ص ۲۵

پذیرفتن این معنای اتفاق، نفی «علت نخستین جهان» و «آفریننده» را به دنبال دارد، زیرا غایتمند بودن جهان بدان معناست که مجموعه حوادثی که در جهان رخ می‌دهد، هدف و غایت معین و از پیش تعیین شده‌ای را دنبال می‌کند و قبول این غایت مندی فقط با قبول علت نخستین و علت العلل، یعنی قبول آفریننده امکان پذیر است.

## ۱۰- دیدگاه دو دسته از فلاسفه را پیرامون غایت مندی جهان هستی بیان نمایید. ص ۲۵

دسته اول از فلاسفه که برای جهان علت نخستین و آفریننده را اثبات می‌کنند، معتقدند که این نوع اتفاق هم مانند دو معنای اول امکان پذیر نیست و همه حوادث جهان از ابتدا تاکنون و در آینده در جهت یک هدف و غایت از پیش تعیین شده قرار دارند. به عبارت دیگر: جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم، به سوی کمال خود در حرکت است و مرحله به مرحله کامل تر می‌شود. اما دسته دوم از فیلسوفان که به خداوند و علت نخستین برای جهان معتقد نیستند، غایت مندی زنجیره حوادث را نیز انکار می‌کنند و حتی وجود فرایندهای تکاملی در جهان را امری اتفاقی به حساب می‌آورند که از پیش تعیین شده نبوده است



## ۱۱- آیا اتفاق به معنای رخ دادن حادثه پیش بینی نشده، با اصول و لوازم علیت مخالف نیست؟ چرا؟ ص ۲۶

این معنای اتفاق با هیچ یک از اصول و لوازم علیت مخالف نیست. بنابراین کاربرد درستی دارد و مربوط به علم ناقص و محدود ما نسبت به حوادث پیرامونی است.

چون شخصی که برای خرید به فروشگاه می رود، از خارج شدن دوستش از خانه و تصمیم دوستش برای آمدن به فروشگاه اطلاعی ندارد، نمی تواند پیش بینی کند که دوستش را در فروشگاه خواهد دید. و آلا براساس قاعده علیت و لوازم آن، مجموعه تصمیم ها و حرکت های این شخص و دوستش سبب شده که آنها یکدیگر را در فروشگاه ببینند و از احوال یکدیگر باخبر شوند

## درس پنجم: خدا در فلسفه (۱)

صفحه ۳۰ تا ۴۰

### سوالات متن

#### ۱- گزارش های تاریخی و کتاب های آسمانی پیرامون اندیشه در باره خدا حکایت از چه چیزی دارد؟ ص ۳۱

گزارش های تاریخی و کتاب های آسمانی بیانگر آن هستند که اندیشه درباره خدا یک اندیشه دیرین در تمام جوامع بشری بوده است. حکیمان و فرزندان جوامع در همراهی با پیام آوران الهی تلاش می کردند در یافتن درست و به دور از جهل و خرافات از خداوند به مردم عرضه کنند.

#### ۲- دیدگاه مردم و حاکمان را پیرامون خدا در یونان باستان بنویسید. ص ۳۱

فیلسوفان بزرگ یونان، از جمله سقراط و افلاطون و ارسطو، در جامعه ای زندگی می کردند که مردم آن به خدایان متعدد اعتقاد داشتند و هر کدام را مبدأ و منشأ یک حقیقت در جهان می شمردند؛ اعتقاد به این خدایان که تعدادشان به ده ها مورد می رسید، چنان محکم و ریشه دار بود که انکار آنها، طرد از جامعه یونان و گاه از دست دادن جان را به دنبال داشت. حاکمان و بزرگان جامعه یونان اجازه نمی دادند که کسی با اندیشه شرک آلود شان مخالفت کند و به خدایان توهین نماید. اتهام اصلی سقراط نیز همین بود که «او خدایانی را که همه به آنها معتقدند، انکار می کند و از خدایی جدید سخن می گوید»

#### ۳- نقش و جایگاه افلاطون در خداشناسی در جامعه یونان باستان بنویسید. ص ۳۲

افلاطون، تصمیم گرفت با دقتی فلسفی و استدلالی درباره خدا صحبت کند و به تدریج پندارها را اصلاح نماید. از همین رو، یکی از افلاطون شناسان مشهور اروپایی به نام «تیلور» میگوید: «افلاطون ابداع کننده خداشناسی فلسفی است.»

#### ۴- نقش و جایگاه افلاطون را در خداشناسی در جامعه یونان باستان بنویسید. ص ۳۲

افلاطون، تصمیم گرفت با دقتی فلسفی و استدلالی درباره خدا صحبت کند و به تدریج پندارها را اصلاح نماید. از همین رو، یکی از افلاطون شناسان مشهور اروپایی به نام «تیلور» میگوید: «افلاطون ابداع کننده خداشناسی فلسفی است.»

#### ۵- بنا به گفته تیلور، خدا از نظر افلاطون چه ویژگی هایی دارد؟ ص ۳۲

۱- کار خداوند هدفدار است. ۲- خدا نزد افلاطون یک خدای معین با ویژگی های روشن است. ۳- دیدگاه افلاطون در باره خدا با چند خدایی یونان متفاوت است زیرا در چند خدایی، خلقت آگاهانه معنا ندارد و شکل دیگری از کفر و بی خدایی است.



## ۶- افلاطون خدا را چگونه توصیف می کند؟ ص ۳۲

۱- پیوسته ثابت است ۲- نه می زاید و نه از میان می رود ۳- نه چیز دیگری را به خود راه میدهد و نه خود به چیز دیگری فرو می شود ۴- نه دیدنی است و نه از طریق حواس دریافتنی است (غیر مادی) ۵- فقط با «تفکر و تعقل» می توان به او دست یافت و از او بهره مند شد.

## ۷- افلاطون از خداوند با چه عنوان هایی یاد می کند؟ ص ۳۲ و ۳۳

۱- افلاطون، از خداوند با عنوان «مثال خیر» یاد می کند و می گوید: همه چیز در پرتو آن دارای حقیقت می شوند و همان طور که روشنایی شبیه خورشید است، اما خود خورشید نیست، حقایق نیز شبیه به «مثال خیر» هستند، نه خود آن. ۲- گاهی نیز از خدا به عنوان «خالق» و آفریننده این عالم یاد می کند.

## ۸- نقش و جایگاه ارسطو را در خداشناسی در جامعه یونان باستان بنویسید. ص ۳۳

ارسطو که از قدرت استدلال و منطق قوی برخوردار بود، تلاش کرد برهان هایی بر وجود خدا و مبدأ نخستین جهان ارائه کند. این استدلال ها، گرچه قدم های اولیه بوده اند، از استحکام خاصی برخوردارند و زمینه قدم های بعد را فراهم می کنند.

## ۹- سه برهان از ارسطو بر وجود خدا و مبدأ نخستین جهان بنویسید. ص ۳۳ و ۳۴

برهان اول ارسطو: مقدمه اول: هر جا که یک خوب و بهتر وجود دارد خوب ترین و بهترین هست  
مقدمه دوم: در میان موجودات برخی خوب تر و بهتر از برخی دیگرند  
نتیجه: حقیقتی که خوب ترین و بهترین است وجود دارد که «واقعیت الهی» است.

برهان دوم ارسطو: مقدمه اول: بر جهان نظم و انتظام حاکم است  
مقدمه دوم: نظم بدون موجودی جاویدان و برتر از ماده ممکن نیست  
نتیجه: پس جهان ناظمی جاویدان و برتر از ماده دارد «که خداوند است»

برهان سوم ارسطو: (برهان حرکت)

وجود حرکت در عالم نیازمند یک محرکی است که خود آن محرک، حرکت نداشته باشد، زیرا اگر آن نیز حرکت داشته باشد، نیازمند یک محرک دیگر است و آن محرک دوم نیز به همین ترتیب نیازمند محرک است و سلسله محرک ها تا بی نهایت جلو خواهد رفت و در حالیکه چنین تسلسلی عقلاً محال است.  
نتیجه: پس جهان دارای محرکی است که حرکت و تغییر ندارد.

## ۱۰- استدلال دکارت، فیلسوف عقل گرای قرن هفدهم درباره اثبات وجود خدا بنویسید. ص ۳۵

مقدمه اول: من از حقیقتی نامتناهی و علیم و قدیر که خود من و هر چیز دیگری به وسیله او خلق شده ایم، تصویری دارم  
مقدمه دوم: این تصور نمی تواند از خودم باشد؛ زیرا من موجودی متناهی ام  
نتیجه: پس این تصور از من و هر موجود متناهی دیگری نیست بلکه از وجود نامتناهی است «خداوند» اوست که می تواند چنین ادراکی به من بدهد.

## ۱۱- چرا دیوید هیوم، دلایل صرفاً عقلی در اثبات وجود خدا را مردود می داند؟ ص ۳۵

از نظر وی، دلایلی که صرفاً متکی بر عقل باشند مردودند؛ زیرا عقل اساساً ادراک مستقل از حس و تجربه ندارد.



## ۱۲- انتقاد دیوید هیوم فیلسوف حس گرا و تجربه گرای قرن هجدهم بر برهان نظم را بنویسید. ص ۳۵

او می گوید مهمترین برهان فیلسوفان الهی، برهان نظم است که از تجربه گرفته شده اما این برهان نیز توانایی اثبات یک وجود ازلی و ابدی و نامتناهی را ندارد. این برهان فقط میتواند ثابت کند که یک ناظم و مدبر این جهان را اداره میکند. اما ثابت نمی کند که این ناظم خالق همان خداوندی است که نیازمند به علت نیست و واجب الوجود است

## ۱۳- کانت، فیلسوف عقلگرای قرن هجدهم آلمان، از چه راهی را برای اثبات وجود خدا استفاده می کند؟ ص ۳۶

او به جای اثبات وجود خدا از طریق مخلوقات یا برهان علیت و یا وجوب و امکان، ضرورت وجود خدا را از طریق اخلاق و وظایف اخلاقی اثبات کرد.

خلاصه توضیحات کانت برای اثبات وجود خدا را از طریق اخلاق و وظایف اخلاقی

۱- زندگی جمعی انسان بدون اصول اخلاقی و رعایت آنها امکان پذیر نیست. اگر انسانها اخلاق را رعایت نکنند و مسئول کارهای خود نباشند، هرج و مرج پدید می آید و زندگی متلاشی می شود.

۲- مسئولیت پذیری و رعایت اخلاق تنها درجایی معنا دارد که انسان خود را صاحب اراده و اختیار ببیند. برای موجودات بدون اختیار، وظیفه اخلاقی معنا ندارد.

۳- این اختیار و اراده نمی تواند ویژگی بدن باشد که ماده ای مانند سایر مواد است، بلکه باید ویژگی نفسی غیر مادی باشد که فناپذیر است و با مرگ بدن از بین نمی رود.

۴- این بُعد غیرمادی انسان بهره مند از وجدان اخلاقی است. انسان در وجدان خود فضایل اخلاقی مانند عدالت را خوب می شمارد و رذیلت های اخلاقی مانند ظلم را بد به حساب می آورد.

۵- این روح و نفس مجرد که سعادتش در کسب فضیلت و رعایت اصول اخلاقی است، چون موجودی غیرمادی و جاودانه است، برای سعادت دائمی خود به جهانی ماورای دنیای مادی نیاز دارد.

۶- چنین جهانی نیز مشروط به وجود خدایی جاودان و نامتناهی است. بنابراین، قبول خداوند، پشتوانه رعایت اصول اخلاقی است. انسان، با قبول خداوند، خود را در جهانی زنده و با شعور می یابد که رفتار انسان را زیرنظر دارد و در مقابل هررفتار، عکس العمل مناسب آن را نشان می دهد

## ۱۴- عوامل سست کننده پایه های اعتقاد به خدا را در جامعه اروپا را بنویسید؟ ص ۳۷

۱- رشد تفکر حسی و حس گرایی

۲- ظهور فیلسوفانی که جهان را مادی می دانستند و انسان را نیز موجودی مادی می شمردند،

## ۱۵- رشد تفکر حسی و حس گرایی و مادی در اروپا چه نتایجی را در بر داشت؟ ص ۳۷

۱- معنا و مقصود زندگی در میان بخشی از جامعه اروپایی به اهداف مادی محدود شد

۲- زندگی فاقد جنبه های متعالی خود گردید. به عبارت دیگر، زندگی بسیاری از مردم فاقد معنا و ارزشهای متعالی گردید.

۳- بحران معناداری زندگی پدید آمد.



۱۶- کدامیک از فیلسوفان غربی از تجربه های معنوی درونی و عشق و عرفان برای خداوند استفاده کردند؟ ص ۳۷  
گروهی از فیلسوفان غربی مانند کرگور فیلسوف دانمارکی قرن نوزدهم و ویلیام جیمز، فیلسوف آمریکایی قرون نوزدهم و بیستم، و برگسون، فیلسوف فرانسوی قرن بیستم از تجربه های معنوی درونی و عشق و عرفان برای خداوند استفاده کردند

### ۱۷- بحران معناداری زندگی در غرب چه نتایجی در بر داشت؟ ص ۳۸

بحران معناداری زندگی سبب شد که در قرن بیستم و بیست و یکم فیلسوفانی ظهور کردند که در عین اعتقاد راسخ به خدا، به جای ذکر دلایل اثبات وجود او، به رابطه میان «اعتقاد به خدا» و «معناداری زندگی» توجه کنند و نشان دهند که زندگی بدون اعتقاد به خدایی که مبدأ خیر و زیبایی و ناظر بر انسان باشد، دچار خلأ معنایی و پوچی آزار دهنده ای خواهد شد.

### ۱۸- زندگی معنادار کنید؟ ص ۳۸

زندگی معنادار عبارت از یک زندگی دارای غایت و هدف و سرشار از ارزش های اخلاقی است که انسان را نسبت به آینده مطمئن می کند و آرامشی برتر به او می دهد.

## درس ششم: خدا در فلسفه (۲)

صفحه ۴۱ تا ۵۱

### سوالات متن

#### ۱- بحث فیلسوف، تا چه زمانی فلسفی است؟ ص ۴۱

بحث فیلسوف، خواه مسلمان، خواه مسیحی و یا پیرو هر مسلک دیگر درباره خدا، تا وقتی فلسفی است که:

۱- از روش فلسفه، یعنی استدلال عقلی استفاده کند

۲- نتایج تفکر خود را به صورت استدلالی عرضه نماید.

#### ۲- فیلسوف معتقد به خدا چه خصوصیت و ویژگی دارد؟ ص ۴۱

فیلسوف معتقد به خدا، از طریق استدلال به خدا اعتقاد پیدا کرده است و از همین طریق هم از خدا دفاع می کند

#### ۳- فیلسوفان مسلمان برای اثبات وجود خدا از چه راههایی استفاده نموده اند؟ ص ۴۱

فیلسوفان مسلمان، از فارابی تا ملاصدرا و فلاسفه معاصر، نظرشان براین است که اثبات وجود خدا از طریق استدلال عقلی امکان پذیر است. از همین رو، هرکدام از این فلاسفه تلاش کرده اند با بیانی بسیار دقیق، استدلال های طرح شده را توضیح دهند یا استدلالی جدید ارائه کنند

#### ۴- استدلال فارابی برای اثبات وجود خدا بنویسید. ص ۴۲

الف) در جهان پیرامون ما اشیایی هستند که وجودشان از خودشان نیست و معلول چیزهای دیگرند.

ب) هرچیزی که وجودش از خودش نباشد و معلول باشد، حتما علتی دارد که مقدم بر خود اوست و به او وجود و هستی می دهد.

ج) اگر معلولی که اکنون موجود است علتی داشته باشد که آن علت هم خودش معلول باشد، وعدوباره علتی داشته باشد و به



ناچار، این معلول هم علت دیگری دارد. حال اگر این علت دوم هم معلول باشد، برای موجود شدن به علت سومی نیازمند است. اگر این سلسله علت ها بخواهد تا بی نهایت پیش برود، یعنی منتهی به علتی نشود که معلول دیگری نباشد، (علت العلل) در اینصورت «تسلسل علل نامتناهی» پیش می آید.

د) تسلسل علل نامتناهی عقلا محال است؛ زیرا اگر سلسله علت ها بخواهد تا بی نهایت به عقب برگردد بدین معناست که آغاز و ابتدایی در کار نیست؛ و علت العلل که خود فقط علت است و معلول هیچ علت دیگری نیست در اینصورت اصلا چیزی پدید نمی آید تا نوبت به معلولی برسد که اکنون پیش روی ماست.

#### ۵- تسلسل علل نامتناهی را تعریف نمایید. ص ۴۲

به علت توجه خاص ابن سینا، این بحث با عنوان «مغایرت وجود و ماهیت» این نظر، پایه یکی از برهان های ابن سینا در اثبات وجود خدا به نام برهان «وجوب و امکان» نیز می باشد

#### ۶- چرا تسلسل علل نامتناهی عقلا محال است؟ ص ۴۲

زیرا اگر سلسله علت ها بخواهد تا بی نهایت به عقب برگردد بدین معناست که آغاز و ابتدایی در کار نیست؛ و علت العلل که خود فقط علت است و معلول هیچ علت دیگری نیست در اینصورت اصلا چیزی پدید نمی آید تا نوبت به معلولی برسد که اکنون پیش روی ماست.

به بیان دیگر: اگر سلسله علت ها تا بی نهایت به عقب برگردد، به معنی آن است که باید بی نهایت موجود پدید بیاید تا نوبت به معلول پیشروی ما برسد و هیچگاه بی نهایت و چنین چیزی امکان پذیر نیست.

#### ۷- استدلال ابن سینا برای اثبات وجود خدا معروف به برهان وجوب و امکان را بنویسید. ص ۴۴

- ۱- وقتی به موجودات این جهان نگاه می کنیم، می بینیم که این موجودات در ذات خود نسبت به وجود و عدم (بودن و نبودن) مساوی اند؛ هم می توانند باشند و هم می توانند نباشند. به عبارت دیگر، این موجودات ذاتا ممکن الوجودند.
- ۲- ممکن الوجود بالذات، برای اینکه از حالت تساوی میان وجود و عدم درآید و وجود برای آن ضروری گردد و موجود شود، نیازمند به واجب الوجود بالذات است (یعنی موجودی که وجود، ذاتی او باشد و خودش ممکن الوجود نباشد).
- ۳- پس، موجودات این جهان به واجب الوجودی بالذات وابسته اند که آنها را از حالت امکانی خارج کرده و پدید آورده است. (آن واجب الوجود بالذات خداست).

#### ۸- واجب الوجود بالغیر را تعریف نمایید؟ ص ۴۴

الف) در جهان پیرامون ما اشیایی هستند که وجودشان از خودشان نیست و معلول چیزهای دیگرند. اشیای جهان، چون ذاتا ممکن الوجودند، برای موجود شدن به وجودی نیاز دارند که خودش واجب الوجود بالذات باشد و خودش نیازمند دیگری نباشد تا آنها را از حالت امکانی خارج کند و وجود را برای آنها ضروری و واجب نماید. بنابراین، اشیای جهان «واجب الوجود بالغیر» هستند

#### ۹- واجب الوجود بالذات را تعریف نمایید؟ ص ۴۴

ذاتی است که وجود برایش ضرورت دارد و این ضرورت، از ناحیه خود آن ذات است نه از ناحیه یک امر بیرونی.



#### ۱۰- امکان فقری یا فقر وجودی را تعریف نمایید. ص ۴۶

همه موجودات و واقعیات این جهان عین وابستگی و نیازمندی هستند و «وابستگی» و «نیازمندی به غیر» سراسر وجود واقعیات را فراگرفته است. این وابسته بودن و نیازمندی را «امکان فقری» است.

#### ۱۱- استدلال ملاصدرا را برای اثبات وجود خدا بنویسید. ص ۴۶

۱- به هر موجودی که نگاه می کنیم، وجودش عین وابستگی و نیاز است.

۲- هر موجود که وابسته و نیازمند باشد، باید به وجودی متصل باشد که در ذات خود، غیرنیازمند و برخوردار باشد و فقیر و نیازمند نباشد.

۳- پس موجودات این جهان وابسته به وجودی بی نیاز و غیروابسته هستند.

#### ۱۲- برهان امکان فقری یا فقر وجودی چه نتیجه ای به دنبال دارد؟ ص ۴۶

طبق نظریه «امکان فقری» یا «فقر وجودی»، جهان هستی یکپارچه نیاز و تعلق به ذات الهی است و از خود هیچ استقلالی ندارد.

اگر ذات الهی آنی پرتو عنایت خویش را بازگیرد، کل موجودات نابود میگردند و نور آنها خاموش می شود.

#### ۱۳- منظور از معناداری حیات در میان فلاسفه مسلمان چیست؟ ص ۴۷

بحث دیگری که فلاسفه مسلمان در کنار اثبات وجود خدا داشته اند، بحث درباره تأثیر این اعتقاد در زندگی انسان و نقش آن در معنا بخشی به حیات بشری است

انسان باید ابتدا وجود خدا را از طریق عقل و تفکر و اندیشه پذیرفت و سپس با وی ارتباط معنوی برقرار کرد و یک زندگی معنادار و متعالی را سامان داد. زمانی اعتقاد به خدا می تواند به زندگی معنا دهد و انسان را وارد مرتبه ای برتر از زندگی کند که واقعا او را از یک راه معقول و درست پذیرفته باشد. البته پذیرش هرکس به اندازه قدرت علمی و فکری اوست.

این موضوع شبیه وجود آب و نقش آن در حیات جسمانی بشر می باش، بشر ابتدا از طریق حواس به وجود آب پی می برد و آن را یک امر واقعی می یابد؛ آنگاه این آب واقعی را می نوشد. این آب واقعی است که نیاز او را برطرف می کند و سیرابش می سازد.

#### ۱۴- معیار های یک زندگی معنا دار از نظر یک فیلسوف الهی بنویسید. ص ۴۷

۱- جهان را غایت مند بیابد و این غایت مندی را توضیح دهد.

۲- انسان را موجودی هدفمند بشناسد و این هدف را مشخص کند.

۳- برای انسان گرایشی به خیر و زیبایی قائل شود و بداند که این خیر و زیبایی یک امر خیالی نیست، بلکه در یک حقیقت متعالی (یعنی خدا) وجود دارد.

۴- آرمانهای مقدس و فراتر از زندگی مادی را معتبر و درست بداند.

۵- در برابر یک وجود متعالی و برتر احساس تعهد و مسئولیت داشته باشد.

#### ۱۵- عشق از نظر ابن سینا تعریف نمایید. ص ۴۸

هریک از ممکنات به واسطه حقیقت وجودش، همیشه مشتاق کمالات و خیرات است و بر حسب فطرت خود از بدی ها گریزان. همین اشتیاق ذاتی و ذوق فطری را که سبب بقای ممکنات و مخلوقات است، عشق می نامیم



۱۶- آیا عشق و محبت اختصاص به انسان دارد؟ و منشأ آن از نظر ابن سینا کجاست؟ ص ۴۸

ابن سینا اعتقاد دارد که که عشق و محبت به خیر و زیبایی اختصاص به انسان ندارد و هر موجودی در این جهان بهره مند از جاذبه عشق الهی است و اوست که چنین عشقی را در کنه و ذات جهان هستی به ودیعت نهاده است.

## درس هفتم: عقل در فلسفه (۱)

صفحه ۵۲ تا ۵۸

### سوالات متن

۱- مفهوم عقل با فلسفه چه ارتباطی دارد؟ ص ۵۲

مفهوم «فلسفه» نیز با «عقل» و «عقلانیت» گره خورده است معمولاً از فیلسوفان به عنوان مهمترین مدافعان عقل یاد می کنند. آنان وجه تمایز انسان از حیوان را عقل می دانند و معتقدند که منظور ارسطو از ناطق، وقتی که انسان را به «حیوان ناطق» تعریف می کند، همان «عقل» است.

۲- دو کاربرد عقل در فلسفه را بنویسید؟ ص ۵۳ و ۵۴

۱- عقل به عنوان دستگاه تفکر و استدلال  
۲- عقل به عنوان یک موجود متعالی و برتر از ماده

۳- کاربرد عقل به عنوان دستگاه تفکر و استدلال توضیح دهید. ص ۵۳

عقل در این کاربرد که همان کاربرد رایج بین مردم است، همان توانمندی است که به کمک آن استدلال می کنیم و از این طریق به دانش ها و حقایقی دست می یابیم.  
بنابر این:

۱- انسان با عقل خود استدلال می کند و می تواند دریابد که چه چیزهایی هست و چه چیزهایی نیست

۲- می تواند بفهمد که کدام کار خوب است و باید انجام دهد و کدام کار بد است و نباید انجام دهد.

۳- انسان با عقل خود می تواند پی ببرد که کدام سخن درست و کدام نادرست و کدام رفتار پسندیده و کدام ناپسند است.

۴- عقل را تعریف نمایید. ص ۵۳

عقل همان توانمندی است که به کمک آن استدلال می کنیم و از این طریق به دانش ها و حقایقی دست می یابیم.

۵- دلیل تفاوت قدرت عقلی در افراد مختلف را بنویسید. ص ۵۴

از نظر فیلسوفان، این توانمندی در کودک به صورت یک استعداد وجود دارد که با تربیت و تمرین به شکوفایی و فعلیت می رسد و تقویت می شود و به همین سبب، در افراد مختلف، متفاوت است. برخی از انسانها قدرت عقلی بیشتر و بعضی قدرت عقلی کمتری دارند.



## ۶- کاربرد عقل به عنوان یک موجود متعالی و برتر از ماده توضیح دهید. ص ۵۴

کاربرد دیگر عقل در فلسفه برای موجوداتی است که از ماده و جسم مجردند و در قید زمان و مکان نیستند. این موجودات در افعال خود به ابزار مادی هم نیاز ندارند. بسیاری از فلاسفه معتقدند که علاوه بر عالم طبیعت، عوالم دیگری هم وجود دارد که با حواس ظاهری نمیتوان آنها را درک کرد. یکی از این عوالم، «عالم عقل» است. فیلسوفان الهی می گویند بسیاری از فرشتگان که در کتابهای آسمانی، از جمله قرآن کریم، از آنها یاد شده است، همین موجودات عقلانی، یعنی موجودات مجرد از ماده و جسم اند که با دلیل و برهان وجود آنها را اثبات میکنند.

## ۷- عقل در فلسفه به عنوان یک موجود متعالی و برتر از ماده دارای چه ویژگی هایی است؟ ص ۵۴

۱- از ماده و جسم مجردند. ۲- در قید زمان و مکان نیستند. ۳- در افعال خود به ابزار مادی هم نیاز ندارند. ۴- علم این قبیل موجودات، از طریق استدلال و کنار هم گذاشتن مفاهیم نیست بلکه عقول (فرشتگان) حقایق اشیا را «شهود» می کنند

## ۸- علم فرشتگان و موجودات معقول چگونه حاصل می شود؟ ص ۵۴

علم این قبیل موجودات، از طریق استدلال و کنار هم گذاشتن مفاهیم نیست بلکه عقول (فرشتگان) حقایق اشیا را «شهود» می کنند و به مفاهیم و استدلال مفهومی نیازی ندارند.

## ۹- چگونه انسان می تواند به مرتبه موجودات عالم عقول برسد و همچون فرشتگان، بسیاری از حقایق را شهود کند؟ ص ۵۴

روح هر انسانی نیز استعداد رسیدن به چنین مرتبه ای از عقل به عنوان یک حقیقت متعالی را دارد؛ یعنی می تواند با تهذیب نفس به مرتبه ای برسد که کاملاً از ماده و جسم مجرد باشد که در عین حال که از قوه استدلال برخوردار است، همچون فرشتگان، بسیاری از حقایق را شهود کند.

## ۱۰- عقل نزد حکمای ایران قدیم از چه جایگاهی برخوردار است؟ ص ۵۵

یکی از کانون های اولیه عقل گرایی و خردورزی، ایران قدیم است که اندیشمندان آن به خردورزی و فرزاندگی شهرت داشتند. گزارشهایی مانند گزارش فردوسی در شاهنامه و برخی نقل های تاریخی و آثار مکتوب مربوط به آن دوره از چنین توجهی به عقل و خردورزی حکایت می کنند؛ به گونه ای که میت وان گفت آنان هم از عقل به عنوان یک وجود متعالی و برتر آگاه بوده اند و هم به عقل به عنوان تعقل و خردورزی و برهان اهمیت می داده اند.

## ۱۱- دیدگاه اندیشمندان ایران باستان در باره خرد و خردورزی را بنویسید. ص ۵۵

در اندیشه حکیمان ایران قدیم، خرد با وجود آفریدگار متحد و یگانه است و آفریدگار، کل جهان را با خرد و عقل رهبری می کند. آنان عقیده داشتند که «خدا براساس خرد می آفریند» و می گفتند که «مزد»، که همان خداست، با خرد و اندیشه خود جهانیان و وجدان ها و خردها را آفریده است.

به نظر می رسد که این خرد و عقل که آفریده آفریننده است، وجودی عقلانی است که خرد و عقل انسان پرتو و مظهر اوست. به همین سبب، فردوسی که شاهنامه خود را با بیت به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد آغاز کرده،

## ۱۲- عقل در فلسفه به عنوان یک موجود متعالی و برتر از ماده دارای چه ویژگی هایی است؟ ص ۵۵

۱- از ماده و جسم مجردند. ۲- در قید زمان و مکان نیستند. ۳- در افعال خود به ابزار مادی هم نیاز ندارند. ۴- علم این قبیل موجودات، از طریق استدلال و کنار هم گذاشتن مفاهیم نیست بلکه عقول (فرشتگان) حقایق اشیا را «شهود» می کنند



### ۱۳- عقل از نگاه هراکلیتوس بعنوان یکی از فلاسفه یونان باستان از چه جایگاهی برخوردار است؟ ص ۵۵

در میان فیلسوفان یونان باستان، هراکلیتوس از حقیقتی به نام «لوگوس» سخن می گوید. دو معنای لوگوس: ۱- به معنای «عقل» به عنوان آن حقیقت متعالی است ۲- به معنای نطق و سخن و کلمه که وی به هر دو کاربرد عقل توجه داشته است. از نظر او «کلمه» و «سخن» ظهور و پرتو عقل متعالی و برتر محسوب می شود؛ یعنی عقل نزد این فیلسوف، همان حقیقت و وجود برتری است که جهان و اشیا ظهور او هستند، همانطور که سخن و کلمه بیانگر افکار و اندیشه های انسان است و آنچه را که انسان در ذهن دارد، با کلام ظاهر می کند و به دیگران می رساند. بنابراین، از نظر هراکلیتوس اشیا عالم، همان کلمات آن حقیقت برتر و بیان علم و حکمت اویند.

### ۱۴- دو معنای لوگوس که هراکلیتوس از آن نام می برد را بنویسید. ص ۵۵

۱- به معنای «عقل» به عنوان آن حقیقت متعالی است ۲- به معنای نطق و سخن و کلمه

### ۱۵- عقل از نگاه ارسطو بعنوان یکی از فلاسفه یونان باستان از چه جایگاهی برخوردار است؟ ص ۵۶

ارسطو به عقل به عنوان قوه استدلال انسان، توجه ویژه ای داشت از نگاه ارسطو، قوه عقل براساس کاری که انجام می دهد، به دو نوع عقل نظری و عقل عملی تقسیم می شود و براساس آن، دانش بشری نیز دو قسم علم نظری و علم عملی می گردد ارسطو انسان را با مفهوم «حیوان ناطق» تعریف کرد که در آن، مقصود از نطق، همان تفکر بود. ارسطو عقل را ذاتی انسان می دانست. بدین ترتیب، او تصویر روشن تری از عقل عرضه کرد.

### ۱۶- عقل نظری و علم نظری را از نگاه ارسطو تعریف نمایید. ص ۵۶

عقل، از آن جهت که درباره اشیا و موجودات و چگونگی آنها بحث می کند، مانند بحث درباره خدا، کهکشان و درجه حرارت آب، عقل نظری نامیده می شود و دانشی که از این جهت به دست می آید، علم نظری نام دارد.

### ۱۷- عقل عملی و علم عملی را از نگاه ارسطو تعریف نمایید. ص ۵۶-

اما عقل، از آن جهت که درباره رفتارهای اختیاری انسان و بایدها و نبایدهای او، مانند باید راست بگوید، باید قانون را رعایت کند و نباید دروغ بگوید و نباید ظلم کند، عقل عملی نامیده می شود و دانشی که از این جهت به دست می آید، علم عملی نام دارد.

### ۱۸- عقل در دوران قرون وسطی (حدود قرن ۳ تا ۹ دوره اول حاکمیت کلیسا) در اروپا از جایگاهی برخوردار بود؟ ص ۵۷

بزرگان کلیسا دخالت و چون و چرا کردن عقل را عامل تضعیف ایمان می دانستند. حتی برخی از بزرگان کلیسا عقل را امری شیطانی می پنداشتند و در برابر استدلال های عقلی می ایستادند و می گفتند که ایمان قوی از آن کسی است که در برابر چون و چراهای عقل بایستد و در ایمان خود استوار بماند.

### ۱۸- عقل در دوره دوم حاکمیت کلیسا، (قرنهای دهم تا سیزدهم) در اروپا از جایگاهی برخوردار بود؟ ص ۵۷

در این دوره فیلسوفان و حکمای مسیحی تحت تأثیر مطالعه کتاب های ابن سینا و ابن رشد و سایر فیلسوفان مسلمان که به زبانهای اروپایی ترجمه شده بود، به عقل و تبیین عقلانی مسائل دینی روی آوردند، اما از آنجا که توجه به عقل و عقلانیت با مبانی اولیه کلیسای کاتولیک سازگاری نداشت، به تدریج به گسترش عقل گرایی و عقب نشینی تفکر دینی مسیحیت شد،

### ۱۹- عقل در دوره رنسانس (آغاز عصر خردورزی) در اروپا از جایگاهی برخوردار بود؟ ص ۵۷

در ابتدای رنسانس که تحولات اجتماعی و فکری معمولاً در تقابل با حاکمیت کلیسا رقم می خورد، عقل جایگاه ممتازی پیدا کرد و



یگانه معیار و مرجع درستی و نادرستی افکار و عقاید تلقی شد؛ در دوره رنسانس عقل جای دین را گرفت و دین را در گوشه ای از زندگی انسان های اروپایی به حاشیه راند. البته در همان ابتدای دوره رنسانس، اختلافی میان فلاسفه آغاز شد و به تدریج رشد کرد؛ به گونه ای که فیلسوفان اروپا به دو دسته «عقلگرا» و «تجربه گرا» تقسیم شدند.

#### ۲۰- دیدگاه فرانسیس بیکن در مورد عقل و خردورزی بنویسید. ص ۵۸

«فرانسیس بیکن» که روش تجربی را بهترین روش برای پیشرفت زندگی بشر می دانست، از فیلسوفان خواست که از بت هایی که فلاسفه قدیم برای ما ساخته اند، دست بردارند و فقط به آنچه از طریق تجربه به دست می آید تکیه کنند.

#### ۲۱- دیدگاه دکارت در مورد عقل و خردورزی و کارکرد آن بنویسید. ص ۵۸

دکارت که با ریاضیات به خوبی آشنا بود، به همه توانایی های عقل، مانند بدیهیات عقلی، استدلال های عقلی محض و نیز تجربه توجه داشت. او معتقد بود که عقل می تواند وجود خدا و نفس مجرد انسان و اختیار او را اثبات کند. البته او دیگر به عقل به عنوان یک حقیقت برتر و متعالی در جهان و انسان، عقیده ای نداشت و عقل را صرفاً یک دستگاه استدلال به حساب می آورد.

#### ۲۲- دیدگاه اوگوست کنت در مورد عقل و خردورزی و کارکرد آن بنویسید. ص ۵۸

اوگوست کنت در قرن نوزدهم، به طور کلی عقل فلسفی و کار عقل در تأسیس فلسفه را کاملاً ذهنی خواند. و گفت که نگاه فیلسوفان به جهان و هستی، ناظر بر واقعیت نیست بلکه ساخته ذهن آنان و حاصل تأملات ذهنی است. از نظر او، عقل صرفاً آنگاه که با روش تجربی و حسی وارد عمل می شود، به واقعیت دست می یابد و به «علم» می رسد. بنابراین، از نظر کنت عقل فقط از طریق علم تجربی می تواند به شناخت واقعیت نائل شود.

## درس هشتم: عقل در فلسفه (۲)

صفحه ۵۹ تا ۶۷

### سوالات متن

۱- یکی از عوامل مهم توجه به عقل و عقلانیت و تفکر فلسفی در جهان اسلام را بنویسید، و بگویید این توجه چه نتیجه ای در بر داشت؟ ص ۵۹

یکی از عوامل مهم توجه به عقل و عقلانیت و تفکر فلسفی در جهان اسلام، پیام الهی و سخنان پیامبر اکرم و عترت گرامی ایشان بود. از اینرو، ۱- عقل، در فرهنگ عمومی مسلمانان جایگاه ممتاز و ویژه ای به دست آورده و همواره از عقل به تجلیل یاد شده است. ۲- کمتر شخصیتی را در تاریخ اسلام مشاهده می کنیم که در بزرگداشت عقل سخن نگفته و یا با عقل ستیز کرده باشد. ۳- این جایگاه ممتاز، سبب حرکت عمومی مسلمانان به سوی علم و دانش در حوزه های مختلف شد و عموم شاخه های دانش، از جمله فلسفه، رشد فوق العاده ای کرد.

۲- مخالفت برخی از جریان های فکری با عقل، در جهان اسلام چه عواقب و نتایجی در بر داشت؟ توضیح دهید. ص ۵۹ و ۶۰

مخالفت برخی از جریان های فکری با عقل، در شکل های دیگری ظهور کرد که عمده آنها عبارت اند از:

۱- تنگ و محدود کردن دایره اعتبار و کارآمدی عقل در عین پذیرش آن؛

۲- مخالفت با فلسفه و منطق، تحت عنوان دستاوردی یونانی و غیر اسلامی.



در شکل اول، این جریان ها می کوشیدند نشان دهند که برخی روش های عقلی در مسائل دینی کاربردی ندارند و کسانی که از این روش ها استفاده می کنند، مرتکب خطا می شوند و به دین آسیب وارد می کنند

شکل دوم مخالفت با عقل، به صورت مخالفت با فلسفه که بالاترین مرحله تعقل و خردورزی است، ظهور کرد. از ابتدای رشد فلسفه در جهان اسلام تاکنون، همواره کسانی گفته اند که دانش فلسفه از یونان وارد جهان اسلام شده و دربردارنده عقاید کسانی مثل سقراط، افلاطون و ارسطوست و این عقاید با عقاید اسلامی سازگار نیست.

### ۳- فلاسفه در پاسخ به کسانی که می گویند: دانش فلسفه از یونان وارد جهان اسلام شده و دربردارنده عقاید کسانی مثل

سقراط، افلاطون و ارسطوست و این عقاید با عقاید اسلامی سازگار نیست، چه می گویند؟ ص ۶۱ و ۶۲

در پاسخ به این سخن، فلاسفه می گویند:

- ۱- بسیاری از آرای فیلسوفانی مانند سقراط و افلاطون و ارسطو با آموزه های اسلامی سازگاری دارد.
- ۲- فلسفه دانش و شاخه ای از معرفت است که هر فردی از هر ملت و نژادی می تواند وارد این شاخه از دانش بشود و درباره مسائل آن، که مربوط به هستی و حقیقت اشیاست، بیندیشد و تحقیق کند.
- ۳- دانش فلسفه به معنی پیروی و تقلید از فیلسوفان نامدار نیست، بلکه به معنای بحث استدلالی درباره حقیقت اشیا است، همانطور که در سایر شاخه های دانش می توان از آرا و نظرات دیگران استفاده کرد.
- ۴- در درستی و نادرستی یک دانش عقلی فقط استدلال است که داوری می کند، نه یونانی یا ایرانی و یا چینی بودن اندیشمند.

### ۴- دو کاربرد عقل را نزد فیلسوفان مسلمان بنویسید. ص ۶۲

فیلسوفان مسلمان، از فارابی تا علامه طباطبایی و سایر فیلسوفان عصر حاضر، درباره هر دو کاربرد عقل سخن گفته و نوشته اند:

۱-عقل، به عنوان وجودی برتر و متعالی در هستی

۲-عقل، به عنوان قوه استدلال و شناخت

### ۵- منظور از عقل اول و عالم عقول، از نظر فارابی و ابن سینا چیست؟ ص ۶۲

از نظر فارابی و ابن سینا اولین مخلوق خدا عقل اول است که موجودی کاملاً روحانی و غیرمادی است و عقول دیگری نیز به ترتیب از عقل اول به وجود آمده اند. این موجودات مجرد که فوق عالم طبیعت اند و فیض خداوند از طریق آنها به عوالم دیگر می رسد، عالم عقول را تشکیل می دهند.

### ۶- منظور از عقل فعال چیست؟ ص ۶۲

یکی از عقول عالم عقل، «عقل فعال» نام دارد؛ این عقل، عامل فیض رسانی به عقل انسان هاست.

### ۷- فارابی مقام و منزلت عقل فعال نسبت به انسان را چگونه بیان می کند؟ ص ۶۳

فارابی می گوید: مقام و منزلت عقل فعال نسبت به انسان، مانند آفتاب است نسبت به چشم. همانطور که آفتاب نوربخشی می کند تا چشم انسان ببیند و بینا شود، عقل فعال نیز نخست چیزی به قوه عقلی آدمی می رساند به طوری که فعالیت عقلی برای انسان ممکن می شود و در نتیجه، عقل شروع به فعالیت می کند و به ادراک حقایق نائل می شود.

### ۸- منظور از این جمله فیلسوفان مسلمان که می گویند: «ما فرزندان دلیل هستیم» چیست؟ ص ۶۴

یعنی اینکه، هر نظر و هر مکتب و آیینی را که دلایل استوار عقلی داشته باشد، می پذیریم.

ابن سینا در این باره می گوید: «هرکس که عادت کرده سخنی را بدون دلیل بپذیرد، از حقیقت انسانی خارج شده است».



## ۹- مراحل چهارگانه عقل که باید طی کند تا به کمال برسد را بنویسید. ص ۶۴

اولین مرحله عقل، عقل هیولائی نام دارد

دومین مرحله، عقل بالملکه نام دارد.

سومین مرحله، عقل بالفعل نام دارد.

چهارمین مرحله عقل بالمستفاد نام گرفته است،

## ۱۰- منظور از اولین مرحله عقل، که عقل هیولائی نام دارد چیست؟ ص ۶۴

اولین مرحله عقل، عقل هیولائی نام دارد و آن هنگامی است که انسان هیچ ادراک عقلی ندارد، اما استعداد و آمادگی درک معقولات را دارد، مانند نوزادی که تازه متولد شده است.

## ۱۱- منظور از دومین مرحله عقل، که عقل بالملکه نام دارد. چیست؟ ص ۶۴

دومین مرحله، عقل بالملکه نام دارد. در این مرحله عقل درکی اولی از قضایای ضروری پیدا می کند، مثلاً می داند که یک چیز نمی تواند هم باشد و هم نباشد. در این مرحله انسان می تواند دانش ها را کسب کند.

## ۱۲- منظور از سومین مرحله عقل، که عقل بالفعل نام دارد چیست؟ ص ۶۴

سومین مرحله، عقل بالفعل نام دارد. در این مرحله، عقل شکوفا شده و به فعلیت رسیده و با تمرین و تکرار دانشهایی را کسب کرده است

## ۱۳- منظور از چهارمین مرحله عقل، که عقل بالمستفاد نام گرفته است چیست؟ ص ۶۴

چهارمین مرحله عقل بالمستفاد نام گرفته است، زیرا در این مرحله انسان به طوری بردانشهایی که کسب کرده مسلط است که از هر کدام که بخواهد می تواند استفاده کند، مانند یک استاد ریاضی که هر مسئله ریاضی را جلوی او بگذارند، به راحتی حل می کند

## ۱۴- فیلسوفان مسلمان در خصوص کارکرد عقل به عنوان دستگاه تفکر و استدلال چه عقیده ای دارند؟ ص ۶۴ و ۶۵

۱- پذیرش هر اعتقاد و آیینی نیازمند استدلال عقلی است؛ هرچند این استدلال عقلی برای سطوح مختلف جامعه متفاوت است و حجت و دلیل هرکس به اندازه توان و قدرت فکری اوست.

۲- عقل بهترین ابزار برای تفکر در آیات و روایات است. ما به کمک عقل در آیات قرآن می اندیشیم و با تفکر و تدبّر در آیات، به معارف قرآن پی می بریم

۳- فیلسوفان مسلمان با اینکه اساس پذیرش هر اعتقاد و آیینی را استدلال عقلی می دانند، راه کسب معرفت را به عقل منحصر نمی کنند بلکه حس و شهود را هم معتبر می دانند.

## ۱۱۵- چرا ایمان باید پشتوانه عقلی داشته باشد؟ ص ۶۵

ایمانی ارزشمند است که پشتوانه عقلی داشته باشد. ایمانی که از این پشتوانه تهی است، ارزش چندانی ندارد و چه بسا انسان را به سوی کارهای غلط و اشتباه نیز بکشانند.

## ۱۶- عالیترین مرتبه شهود چیست؟ ص ۶۵

فلاسفه وحی را عالی ترین مرتبه شهود می شمارند که به پیامبران الهی اختصاص دارد. انبیای الهی از این طریق به برترین دانش ها و معارف دست می یابند و آن دانش ها را در اختیار انسان های دیگر قرار می دهند.



۱۷- از نظر فیلسوفان مسلمان، چه ارتباطی بین استدلال عقلی، شهود و وحی وجود دارد؟ ص ۶۵

از نظر فیلسوفان مسلمان، استدلال عقلی، شهود و وحی هر سه ما را به حقیقت می‌رسانند و لذا در موضوعات مشترک حتماً به یک نتیجه خواهند رسید و مؤید یکدیگر خواهند بود.

۱۸- چرا ممکن است احساس کنیم میان دستاوردهای عقلی ما و داده‌های وحی تعارض‌هایی وجود دارد؟ برای رفع این

تعارض باید چه کار کنیم؟ ص ۶۵

چون ما انسان‌ها توانمندی‌های عقلی محدود و متفاوتی داریم، ممکن است از استدلال عقلی درست استفاده نکنیم و به نتیجه‌های نادرست برسیم و احساس کنیم میان دستاوردهای عقلی ما و داده‌های وحی تعارض‌هایی وجود دارد.

در این قبیل موارد باید

۱- تلاش علمی خود را افزایش دهیم،

۲- از دانش دیگران بهره ببریم تا بتوانیم خطاهای خود را اصلاح نموده و از توهم و گمان تعارض میان یافته‌های عقلی و دستاوردهای وحیانی‌هایی یابیم.

۱۹- ملاصدرا پیرامون تقابل میان احکام و قوانین دین حق و روشن‌الهی با دانش و معرفت یقینی و قطعی چه می‌گوید؟ ص ۶۵

ملاصدرا می‌گوید: «امکان ندارد که احکام و قوانین دین حق و روشن‌الهی با دانش و معرفت یقینی و قطعی در تقابل باشد و نفرین بر آن فلسفه‌ای که قوانینش با قرآن و سنت مخالف و متضاد باشد و با آنها مطابقت نکند.»

## درس نهم: آغاز فلسفه

صفحه ۷۰ تا ۷۷

### سوالات متن

۱- حیات علمی و فلسفی مسلمانان از چه زمانی آغاز شده است؟ ص ۷۰

از توجه و ورود به فلسفه در جهان اسلام حدود سیزده قرن می‌گذرد. این توجه، نتیجه یک «حیات عقلی» و «حیات علمی» بود که منجر به یک «حیات فلسفی» در جهان اسلام نیز گردید

۲- چگونه شکل‌گیری حیات عقلی در جهان اسلام را بنویسید. ص ۷۰

وقتی که مردم یک جامعه به عقل و تفکر و اندیشه توجه کنند به طوری که عقلانیت جزء فرهنگ عمومی جامعه در آید، «حیات عقلی» شکل می‌گیرد.

۳- چگونه شکل‌گیری حیات علمی و فلسفی در جهان اسلام را بنویسید. ص ۷۰

توجه به عقل و فکر، حرکت به سوی دانش و رشد شاخه‌های مختلف علم را به دنبال دارد و «حیات علمی» آغاز می‌شود. یکی از شاخه‌های حیات علمی، «حیات فلسفی» است که به طور طبیعی، جمعی از محققان و اندیشمندان، بدان خواهند پرداخت.



#### ۴- زمینه های رشد فلسفه در جهان اسلام را بنویسید. ص ۷۱

زمینه اول: وجود «حیات عقلی» در جامعه اسلامی و حضور عقلانیت و احترام به عقل، با ظهور اسلام و تشکیل جامعه اسلامی.  
زمینه دوم: بحث و گفت و گو در مباحث اعتقادی، که از زمان رسول خدا آغاز شد و به سرعت در میان مسلمانان گسترش یافت.  
زمینه سوم: نهضت ترجمه متون، که از قرن دوم هجری آغاز شد و کمک شایانی در شکل گیری «حیات فلسفی» در جهان اسلام نمود.

#### ۵- برخی از عوامل زمینه ساز در قرآن کریم و گفتار و رفتار رسول خدا(ص) برای رسیدن به حیات عقلی و فلسفی بنویسید. ص ۷۲

- ۱- ارزش قائل شدن برای اصل تفکر و خردورزی؛
- ۲- تکریم علم به عنوان ثمره تفکر و خردورزی؛
- ۳- تکریم و احترام پیوسته عالمان و دانشمندان؛
- ۴- طرح مباحث علمی و عقلی و فلسفی و به کار گرفتن شیوه های مختلف استدلال؛
- ۵- مذمت پیوسته نادانی و جهل، به طوری که در جامعه یک ویژگی منفی تلقی شود
- ۶- دعوت به یادگیری علوم دیگر ملت ها و تمدن ها و استفاده از آنها

#### ۶- به چه کسانی متکلم گویند؟ ص ۷۳

بحث و گفت و گو در مباحث اعتقادی، سبب شد که در همان قرن اول هجری، دانشمندانی ظهور کنند که در روش عقلی و استدلالی در مسائل اعتقادی مانند اثبات وجود خدا، صفات خداوند، ضرورت معاد و نیز مسائلی مانند جبر و اختیار متبحر بودند و به تعلیم و کتابت اشتغال داشتند. این دسته از دانشمندان، که موضوعات اعتقادی دین را با استدلال و منطق مورد بحث قرار می دهند، متکلم نامیده می شوند.

#### ۷- آیا نهضت ترجمه منحصر به دانش فلسفه بود؟ توضیح دهید؟ ص ۷۳

خیر، این نهضت منحصر به دانش فلسفه نبود بلکه علوم گوناگون از قبیل منطق، فلسفه، نجوم، ریاضیات، طب، ادب و سیاست را هم شامل می شد و در نتیجه آن، کتاب های فراوانی از زبان های یونانی، پهلوی، هندی و سریانی و در رشته های مختلف علمی ترجمه شدند.

#### ۸- یک نمونه از دلایل اهمیت نهضت ترجمه و یادگیری از دیگران را بنویسید. ص ۷۳

در آن عصر، نهضت ترجمه و یادگیری از دیگران آن قدر اهمیت داشت که گفته اند حنین بن اسحاق، مترجم معروف و زبردست آن زمان، گاهی معادل وزن کتابی که ترجمه کرده بود، زر دریافت می کرد.

#### ۹- نهضت ترجمه چه پیامد ها و نتایجی به دنبال داشت؟ ص ۷۳

- ۱- کتاب های فراوانی از زبانهای یونانی، پهلوی، هندی و سریانی و در رشته های مختلف علمی ترجمه شدند.
- ۲- مسلمانان به زودی معارف پیشینیان را فرا گرفتند و در تمامی رشته های دانش سرآمد ملت های زمان خود شدند.
- ۳- در فلسفه نیز دانش فیلسوفان بزرگ یونان را آموختند و با نقد و بررسی آرای آن حکیمان، نظام فلسفی نوینی را سامان بخشیدند که ضمن برخورداری از آرای افلاطون و بیشتر ارسطو، دربردارنده اندیشه های جدیدی بود که تا آن روزگار سابقه نداشت

#### ۱۰- ساختار حکمت مشاء بر چه اساسی استوار بود و چرا به این نام مشهور گردید؟ ص ۷۴

فلسفه اسلامی در آغاز سرشتی کاملاً استدلالی داشت و متکی بر آراء ارسطو بود. از آنجا که ارسطو در مباحث فلسفی بیش از هر چیز به قیاس برهانی تکیه می کرد، فلسفه اسلامی نیز صورت استدلالی قوی به خود گرفت و نبوغ استدلالی ابن سینا، این صورت را



با ظریف ترین موشکافی ها آراست. این شیوه تفکر فلسفی به خاطر مؤسس اول آن، ارسطو، به حکمت مشاء معروف شد.

#### ۱۱- حکمت از نظر یک فیلسوف مشایی مانند ابن سینا چگونه است؟ ص ۷۴

فنی استدلالی و فکری که انسان عالم، وجود را آنچنان که هست، به وسیله این فن به دست می آورد و نفس خویش را به کمال می رساند و به جهانی عقلی مشابه جهان واقعی موجودات تبدیل می شود و مستعد رسیدن به سعادت نهایی، به اندازه طاقت بشری می گردد.

#### ۱۲- ویژگی های اخلاقی و روش زندگی فارابی چگونه است؟ ص ۷۵

فارابی، با اینکه مورد احترام سیفالدوله بود، به سادگی و قناعت زندگی می کرد و به تجملات زندگی و تشریفات اجتماعی بی اعتنا بود. او لباس های محلی خود را می پوشیده و به طبیعت و مظاهر آن عشق می ورزیده و اغلب مجالس درس خود را کنار جویبارها و در زیر درخت ها تشکیل می داده است.

با اینکه در دربار سیفالدوله هر نوع وسیله راحتی برای او فراهم بود، فقیرانه زندگی می کرد و با روزی چهار درهم روزگار میگذرانید

#### ۱۳- مقام علمی و فلسفی فارابی را بطور خلاصه بنویسید؟ ص ۷۵

۱- وی علاوه بر فلسفه، در حقوق، نجوم و سیاست نیز شهرت داشت و به درجه استادی رسیده بود.

۲- پزشکی را به خوبی می دانست و در مداوای بیماران تبحر داشت.

۳- در فلسفه سیاست نظریه پرداز بود و دیدگاه ویژه‌ای را مطرح کرد که به دیدگاه افلاطون نزدیک است.

#### ۱۴- دو کتاب فارابی که بیانگر آشنایی کامل او با فلسفه یونان است کدامند؟ ص ۷۵

۱- فارابی با میراث فلسفی یونان، به خصوص آرای افلاطون و ارسطو، به خوبی آشنا بود و توانست نقاط مشترک اندیشه های آن دو را بیابد و در کتابی با عنوان «الجمع بین رأیی الحکیمین» (جمع میان نظرات دو حکیم) ارائه کند.

۲- فارابی در کتابی به نام «اغراض ارسطو فی کتاب مابعدالطبیعه» با دقت و توانایی بسیار، نظرات ارسطو را شرح می کند و نکات پیچیده آن را آشکار می سازد؛ چنانکه بعدها راهنمای ابن سینا در فهم کتاب ارسطو می شود.

#### ۱۵- فارابی چگونه توانست فلسفه مشائی را بنا نهد و به معلم ثانی ملقب گردد؟ ص ۷۵

فارابی به علت آشنایی عمیق با تعالیم اسلام، توانست آموخته های خود از افلاطون و ارسطو و سایر فیلسوفان گذشته را در یک نظام فلسفی جدید عرضه کند و فلسفه مشائی را در جهان اسلام بنا نهد. از این رو پس از ارسطو لقب معلم گرفت و به معلم ثانی شهرت یافت.

#### ۱۶- فلسفه سیاسی فارابی را بطور اختصار شرح دهید. ص ۷۶

فارابی هرگز مشاغل سیاسی را نپذیرفت و با اهل سیاست معاشرت نداشت. با وجود این، در سیاست بسیار اندیشید و آثار متعددی در این زمینه نوشت.

#### ۱۷- فارابی در مورد انسان چه دیدگاه و نظری دارد؟ ص ۷۶

از نظر او، انسان موجودی مدنی بالطبع است که به حسب فطرت و طبع خود به جامعه گرایش دارد و می خواهد با هموعان خویش زندگی کند. این اولین مبنای وی برای ورود به مباحث اجتماعی و فلسفه سیاسی است. به عقیده فارابی، مسیر سعادت و کمال انسان از زندگی اجتماعی می گذرد و به همین جهت باید هدف اصلی جامعه و مدینه نیز سعادت انسان در دنیا و آخرت باشد.



## ۱۸- مدینه فاضله فارابی را تعریف نمایید. ص ۷۶

از نظر فارابی بهترین مدینه ها مدینه ای است که مردم آن به اموری مشغول و به فضایی آراسته اند که مجموعه مدینه را به سوی سعادت می برد و چنین جامعه ای از نظر او «مدینه فاضله» است.

## ۱۹- فارابی مدینه فاضله را به چه چیزی تشبیه می کند؟ ص ۷۶

فارابی مدینه فاضله را به بدنی سالم تشبیه می کند که هر عضو آن متناسب با ویژگی خود وظیفه ای دارد و آن وظیفه را به نحو احسن انجام می دهد. همان گونه که در اعضای بدن، برخی بر برخی تقدم دارند، برخی از اعضای جامعه نیز بر برخی دیگر مقدم اند؛ مثلاً همان طور که قلب بر همه اعضای بدن ریاست دارد، در مدینه فاضله هم کسی باید بر دیگران برتری داشته باشد و بر آنان ریاست کند.

## ۲۰- از نظر فارابی ریاست مدینه فاضله باید چه خصوصیاتی داشته باشد و چه کسانی این ویژگی ها را دارند؟ ص ۷۶

از نظر او، ریاست جامعه باید برعهده کسی باشد که روحی بزرگ و سرشتی عالی دارد و به عالی ترین درجات تعقل رسیده و می تواند احکام و قوانین الهی را دریافت کند؛ یعنی رهبر جامعه کسی جز پیامبر خدا نیست. پیامبر میتواند با ملک وحی اتصال دائمی داشته باشد. این ویژگی برای امامان و جانشینان پیامبر هم هست و همین اتصال پیوسته با عالم بالا به پیامبران امکان می دهد که جامعه را به درستی و در جهت نیل به سعادت حقیقی رهبری کنند.

## ۲۱- فارابی مدینه جاهله را چگونه تعریف می نماید و چه تفاوتی با مدینه فاضله دارد؟ ص ۷۶

فارابی مدینه جاهله را در مقابل مدینه فاضله، قرار می دهد و معتقد است که مهمترین تفاوت آن با مدینه فاضله در هدف آن است. در مدینه جاهله هدف مردم فقط سلامت جسم و فراوانی لذت هاست. آنها گمان می برند که اگر به چنین لذت هایی دست یافتند، به سعادت رسیده اند و اگر دست نیافتند، به بدبختی افتاده اند.

# درس دهم: دوره میانی

صفحه ۷۸ تا ۸۶

## سوالات متن

### ۱- روش ابن سینا در مسائل فلسفی چیست و کدام فیلسوف یونانی بنیانگذار این شیوه می باشد؟ ص ۷۹

روش ابن سینا در تحلیل مسائل فلسفی، عقلی و استدلالی است. او این روش را که ارسطو پایه گذاری کرد و بعدها وارد جهان اسلام شد، به اوج رساند. ابن سینا فلسفه مشائی را به صورت مدون و نظام مند ارائه کرد.

### ۲- آثار و تالیفات ابن سینا را نام برید (اطلاعات کلی در مورد هر کدام از این آثار ضروری است). ص ۸۰

قانون: که نوعی فرهنگ نامه پزشکی است،

شفا: این دایره المعارف عظیم علمی و فلسفی و کامل ترین مرجع حکمت مشائی است،

نجات: شکل مختصر کتاب شفاست،

انصاف: دارای بیست جزء و شامل ۲۸ هزار مسئله بوده و تنها چند جزء آن باقی مانده است.



اشارات و تنبیهات: آخرین دیدگاه هایا بن سینا در حکمت را شامل میشود.

دانشنامه‌ی علایی: به زبان پارسی است و ابواب مختلف حکمت در آن مندرج است. این کتاب در اصفهان و برای علاء الدوله، حاکم آن شهر نوشته شده است.

### ۳- طبیعت شناسی را از منظر ابن سینا توضیح دهید. ص ۸۰

از نظر ابن سینا طبیعت مرتبه ای از هستی است که رو به مقصدی خاص دارد و این مقصد در ذات عالم طبیعت است.

### ۴- علت نام گذاری این عالم به «طبیعت» از نظر ابن سینا چیست؟ ص ۸۰

علت نام گذاری این عالم به «طبیعت» بدان جهت است که اجزاء این عالم، هرکدام طبع و ذات خاصی دارند و خود این عالم نیز به عنوان یک کل، «طبع» و ذاتی دارد که منشأ و مبدأ حرکات و تحولات آن است.

### ۵- چرا ابن سینا از عالم طبیعت به نظام احسن تعبیر می کند؟ ص ۸۱

خداوند، عالم طبیعت را با لطف و عنایت خود پدید آورده و همه اجزاء آن چنان ترکیب و تألیف شده اند که بهترین نظام ممکن، یعنی نظام احسن، را تحقق می بخشند.

### ۶- نظر ابن سینا را در مورد آنچه در طبیعت بعنوان شر و بدی نامیده می شود چیست؟ ص ۸۱

به نظر ابن سینا طبیعت هر شیء آن را به سوی خیر و کمال مطلوبش سوق می دهد؛ به شرط اینکه مانعی در راه طبیعت قرار نگیرد. حتی آنچه ظاهراً شر و بدی به نظر می رسد، مانند پژمرده شدن یک گل یا مرگ یک جاندار یا حتی وقایع ویرانگر طبیعی همچون سیل و زلزله، همگی در یک نظم کلی جهانی تأثیر مثبت دارند و به کمال نهایی طبیعت کمک می کنند. به همین جهت، با نگاه کردن به بخش کوچکی از جهان طبیعت نمی توان درباره آن داوری کلی کرد؛ مثلاً زرد شدن برگ های سبز درختان در پاییز برای کسی که فقط پاییز را می بیند، حادثه ای ناگوار تلقی می شود اما کسی که چهار فصل را مشاهده می کند، می داند که پاییز نقش ویژه خود را در اعتدال طبیعت ایفا می کند.

### ۷- از نظر ابن سینا، تأمل در رابطه طبیعت با ماوراء طبیعت و خدا در کنار تحقیق در روابط میان پدیده ها چه فواید و اثراتی دارد؟ ص ۸۱

از نظر ابن سینا، تأمل در رابطه طبیعت با ماوراء طبیعت و خدا در کنار تحقیق در روابط میان پدیده ها، دانشمند و محقق را از ظاهر پدیده ها عبور می دهد و به باطن آنها می رساند؛ آنها را به خشوع و خشیت در برابر حق وا می دارد و مصداق «آیه شریفه: اِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ - تنها بندگان عالم خداوند خشیت او را به دل دارند - می سازد.

### ۸- سهروردی چگونه حکمت اشراق را پایه گذاری کرد؟ ص ۸۳

سهروردی با احیاء فلسفه نور و اشراق ایران باستان و تلفیق آن با عرفان اسلامی «حکمت اشراق» را پایه گذاری کرد.

### ۹- حکمت اشراق را تعریف نمایید. (روش حکمت اشراق چگونه است.) ص ۸۳

حکمت اشراق نوعی بحث از وجود، است که تنها به نیروی عقل و ترتیب استدلال اکتفا نمی کند بلکه آن را با سیر و سلوک قلبی نیز همراه می سازد.



### ۱۰- فیلسوف اشراقی با تلاش خود به دنبال چه چیزی است؟ ص ۸۳

فیلسوف اشراقی می‌کوشد آنچه را در مقام بحث و استدلال به دست آورده، با شهود قلبی و تجربه درونی دریابد و به ذائقه دل برساند و آنچه را از طریق شهود کسب کرده است، با استدلال و برهان به دیگران تعمیم دهد. از نظر سهروردی، تحقیق فلسفی به شیوه استدلالی محض و بدون رسیدن به قلب بی نتیجه است و سیر و سلوک روحانی و قلبی هم بدون تربیت عقلانی گمراه کننده می‌باشد.

### ۱۱- نظر قطب الدین رازی بعنوان یکی از پیروان اشراق در مورد حکمت اشراق بنویسید. ص ۸۴

میگوید: حکمت اشراق، حکمتی است که اساس و بنیان آن اشراق است. اشراق نیز عبارت است از کشف و شهود و این حکمت همان حکمت شرقیانی است که اهل فارس بوده اند، زیرا حکمت آنها هم شهودی و کشفی بوده است. این حکمت از آن رو اشراقی خوانده شده که از ظهور و انوار عقلی و تابش آنها بر نفس انسانهای کامل به دست می‌آید

### ۱۲- نور الانوار را از نظر شیخ اشراق تعریف نمایید. ص ۸۴

شیخ اشراق مبدأ جهان و خالق هستی را نور محض می‌داند و او را «نور الانوا» می‌نامد. اشیاء دیگر از تابش و پرتو نور الانوار پدید آمده اند.

### ۱۳- منظور سهروردی از نور چیست؟ ص ۸۴

هر واقعیتی در جهان هستی، «نور» است اما نه نور مطلق، بلکه درجه ای است از نور، پس، تفاوت موجودات در شدت و ضعف نورانیت آنهاست.

### ۱۴- با توجه به دیدگاه شیخ اشراق ذات نخستین چگونه متجلی می‌شود؟ ص ۸۴

ذات نخستین، نور مطلق، یعنی خدا پیوسته نور افشانی (اشراق) می‌کند و بدین ترتیب، متجلی می‌شود و همه چیزها را به وجود می‌آورد و با اشعه خود به آنها حیات می‌بخشد. همه چیز در این جهان پرتوی از نور ذات اوست و هر زیبایی و کمالی، موهبتی از رحمت اوست

### ۱۵- در جغرافیای عرفانی سهروردی منظور از «مشرق جهان» چیست؟ ص ۸۰

مشرق جهان در جغرافیای سهروردی، نور محض یا محل فرشتگان مقرب است که به دلیل تجرد از ماده، برای موجودات خاکی قابل مشاهده نیست.

### ۱۶- در جغرافیای عرفانی سهروردی منظور از «مغرب کامل» چیست؟ ص ۸۰

مغرب کامل نیز جهان تاریکی یا عالم ماده است که بهره ای از نور ندارد.

### ۱۷- در جغرافیای عرفانی سهروردی منظور از «مغرب وسطی» چیست؟ ص ۸۰

میان مشرق محض و مغرب کامل، مغرب وسطی قرار دارد که در آن نور و ظلمت به هم آمیخته اند.

### ۱۸- سهروردی جویندگان معرفت را به چهار گروه تقسیم می‌کند آنها را بنویسید. ص ۸۵

۱- آنان که تازه عطش و شوق معرفت یافته اند و جویای آن اند

۲- آنان که در فلسفه استدلالی به کمالی رسیده اند ولی از ذوق و عرفان بهره ای ندارند؛



۳- آنان که به طریقه برهان و فلسفه استدلالی توجهی ندارند و فقط تصفیه نفس می کنند و به شهودهایی دست یافته اند؛  
۴- سرانجام، آنان که هم در صور برهانی به کمال رسیده اند و هم به اشراق و عرفان دست یافته اند. اینان حکیم متأله اند و بهترین دسته به حساب می آیند.

### ۱۹- از نظر سهروردی به چه کسی حکیم متأله گویند. ص ۷۹

آنان که هم در صور برهانی به کمال رسیده اند و هم به اشراق و عرفان دست یافته اند را حکیم متأله گویند.

### ۲۰- نظر شیخ اشراق را درباره دربارۀ صفات و ویژگی های حکیم متأله بنویسید. ص ۷۹

هرگاه اتفاق افتد که در زمانی حکیمی غرق در تأله (خدایی و الهی بودن) باشد و در بحث نیز استاد گردد، او ریاست تامه بوده و خلیفه و جانشین خدا اوست ...  
جهان هیچ گاه از حکیم متأله، خالی نیست ...؛ زیرا برای مقام خلافت ضروری است که امور و حقایق را بی واسطه، از حق تعالی دریافت کند  
البته مراد از این ریاست، ریاست از راه قهر و غلبه نیست بلکه گاه ممکن است که امام تأله در ظاهر حاکم باشد و گاه به طور نهایی ... او ریاست تامه، را در اختیار دارد اگرچه در نهایت گم نامی باشد.  
چون ریاست واقعی جهان به دست او افتد، زمان وی بس نورانی و درخشان شود و هرگاه جهان از تدبیر حکیمی الهی تهی ماند، ظلمت و تاریکی بر آن سایه افکند.

## درس یازدهم: دوران متأخر

صفحه ۸۷ تا ۹۶

### سوالات متن

#### ۱- دوران متقدم و میانه و متأخر در تاریخ فلسفه اسلامی شامل چه زمانی می شود؟ ص ۸۷

از آغاز ظهور اسلام تا قرن چهارم هجری را دوره متقدم می دانیم (فارابی بزرگترین فیلسوف این دوره است) و از قرن پنجم تا دهم را دوره میانه به حساب می آوریم (که ابن سینا در ابتدای آن طلوع کرده است)، قرن یازدهم تا عصر حاضر را نیز می توانیم دوره متأخر بدانیم

#### ۲- هدف علم کلام چیست؟ ص ۸۷

به دانشمندان علم کلام، متکلمین گویند، وظفه علم کلام دفاع از معارف دینی از طریق عقل و استدلال است.

#### ۳- رقابت ها و مخالفت های علم کلام با فلسفه چه تأثیری بر فلسفه گذاشت؟ یا (علت رکود فلسفه پس از ابن سینا در بخش هایی

از جهان اسلام چه بود؟) ص ۸۷

بسیاری از متکلمان با فلسفه مخالف بودند و از فیلسوفان انتقاد می کردند. برخی از این انتقادهای آن قدر شدید بود که فلسفه را پس از ابن سینا، در بخش هایی از جهان اسلام به رکود کشاند. البته در ایران این انتقادهای تأثیر کمتری داشت و فلسفه همچنان زنده ماند



#### ۴- آغاز حکومت صفویه، در ایران چه آثار و نتایجی برای فلسفی به دنبال داشت؟ ص ۸۷

پس از دوره‌های طولانی از کشمکش‌های اجتماعی، که در پی حمله مغول پیش آمده بود، حکومت صفویه شکل گرفت و ایران به ثبات و آرامش رسید. همین امر سبب شد که در پایتخت صفویان، یعنی اصفهان، علم و دانش رونق بگیرد و فیلسوفان بزرگی ظهور کنند و فلسفه وارد مرحله جدیدی شود.

#### ۵- چند نفر از فلاسفه مشهور عصر صفوی را نام ببرید؟ ص ۸۷

میرمحمد باقر مشهور به میرداماد، شیخ بهاء الدین محمدبن حسین عاملی مشهور به شیخ بهایی، میرابوالقاسم فندرسکی مشهور به میرفندرسکی و بالاخره، محمدبن ابراهیم قوامی شیرازی معروف به ملاصدرا و درالمتألهین از فیلسوفان بزرگ عصر صفویه هستند.

#### ۶- مشرب فلسفی شیخ بهایی و میر داماد چه تاثیری بر ملاصدرا گذاشت؟ ص ۸۸

مشرب این دو استاد گران قدر که علاوه بر علوم روز، در عرفان و انوار قلبی هم از نوادر روزگار بودند، روح و جان ملاصدرا را با ذوق و عرفان نیز آشنا و دمساز کرد. در این دوره بود که صدرا به درک جدیدی از علم و معرفت نائل شد.

#### ۷- چه عواملی سبب رشد و تعالی مقام فلسفی و عرفانی ملاصدرا گردید؟ ص ۹۰

خلوت‌گزینی و تفکرات و تأملات عمیق و طولانی و عبادت‌ها و ریاضت‌ها به تدریج عقل و جان صدرالدین را برای جهشی بلند در سپهر معرفت و حکمت مهیا ساخت. انوار حکمت بر او تابید و الطاف الهی پیوسته بر وی جاری گشت. اسرار و رموزی بر او آشکار شد که آن زمان آشکار نشده بود. وقتی آنچه را پیش از آن به برهان فرا گرفته بود از راه شهود قلبی به نحو برتر مشاهده کرد.

#### ۸- آثار و تالیفات ملاصدرا را نام ببرید ص ۹۰

شواهد الربوبیه - تفسیر قرآن - المبدأ والمعاد

الحکمة المتعالیة فی الاسفار الاربعة: مهمترین و مشهورترین اثر فلسفی ملاصدرا می باشد که دایرة المعارف فلسفی ملاصدرا است. این کتاب که به «اسفار» مشهور است و در نه جلد به چاپ رسیده، با الهام از سفر چهارمرحله ای عارفان در چهار بخش اصلی تألیف و تنظیم شده است.

#### ۹- چهار سفری که عرفا معتقدند باید انسان برای سیر و سلوک به سوی کمال و تا رسیدن به کمال نهایی پیماید کدامند؟ ص ۹۰

سفر اول: سفر از خلق به حق (خدا): در این سفر سالک می کوشد از طبیعت و عوالم ماورای طبیعت عبور کند و به حق واصل شود و میان او و خدا حجابی نباشد.

سفر دوم: سفر با حق و در حق: در این سفر سالک می کوشد به کمک خداوند، سیری در اسماء و صفات خداوند نماید.

سفر سوم: سفر از حق (خدا) به سوی خلق، همراه با حق است: در این سفر سالک به سوی خلق باز می گردد در حالیکه به حق توجه دارد و همه چیز را مظهر و جلوه او می یابد.

سفر چهارم: سفر در خلق است با حق: در این سفر سالک می کوشد به کمک حق مردم را هدایت کند و آنها را نیز سالک راه حق نماید.

#### ۱۰- ملاصدرا چگونه مباحث فلسفی را با چهار سفری که عرفا برای سیر و سلوک و رسیدن به کمال طی می کنند هماهنگ می

کند؟ ص ۹۰

سفر اول: ملاصدرا، مباحث عمومی فلسفه را در بخش اول کتاب خود قرار داده است.



سفر دوم: ملاصدرا، نیز بعد از مباحث عمومی فلسفه به مباحث مربوط به توحید و صفات الهی می پردازد.  
سفر سوم: ملاصدرا بخش سوم کتاب خود را به افعال خداوند و ربوبیت و حکمت الهی اختصاص داده است.  
سفر چهارم: ملاصدرا نیز بخش چهارم کتاب خود را به «علم النفس» و مراحل شکل گیری آن تا رسیدن به مرحله معاد اختصاص داده است.

### ۱۱- ملاصدرا چه مشرب فلسفی را بنیان نهاد و این کار نتیجه چه چیزی بود؟ ص ۹۱

فلسفه ای که ملاصدرا بنیان گذاشت و رسماً آن را «حکمت متعالیه» نامید، نتیجه تکاملی دو مشرب گذشته «فلسفه مشاء» و «فلسفه اشراق» و نیز انس دائمی وی با وحی الهی و قرآن کریم بود.  
به عبارت دیگر، در شخصیت وجودی ملاصدرا برهان عقلی و شهود قلبی و وحی قرآنی با هم الفت یافته اند و از این الفت، فلسفه ای برآمده که سرآمد فلسفه های قبل است.

### ۱۲- آیا بهره مندی ملاصدرا از عرفان و شهود و وحی قرآنی فلسفه او را از معیار های فلسفی دور نمی کند و به عرفان یا کلام تبدیل نمی کند؟ ص ۸۵

خیر، فلسفه او را از معیارهای پذیرفته شده در دانش فلسفه تهی نمی سازد و به عرفان یا کلام تبدیل نمی کند؛ زیرا وی در مقام فیلسوف می داند که میزان و ملاک فلسفی بودن یک متن یا سخن، را دارد، چون اولاً هر مبحثی که طرح می کند، به موضوع فلسفه، یعنی موجود بما هو موجود، مربوط باشد و به آن برگردد. ثانیاً متکی بر عقل و استدلال عقلی باشد، نه شهود قلبی و بیان نقلی.  
ایشان این اصل را در آثار فلسفی خود، به خصوص در اسفار، مراعات کرده و در هر موردی که از شهود یا وحی الهی بهره برده، از این دو منبع نه به عنوان پایه استدلال بلکه به عنوان تأیید و شاهد کمک گرفته است.

### ۱۳- با توجه به دیدگاه ملاصدرا، میزان و ملاک فلسفی بودن یک متن یا سخن چیست؟ ص ۹۱

میزان و ملاک فلسفی بودن یک متن یا سخن، عبارتند از اینکه: اولاً هر مبحثی که طرح می کند، به موضوع فلسفه، یعنی موجود بما هو موجود، مربوط باشد و به آن برگردد. ثانیاً متکی بر عقل و استدلال عقلی باشد، نه شهود قلبی و بیان نقلی.

### ۱۴- منابع حکمت متعالیه را نام ببرید؟ ص ۹۱

- ۱- فلسفه مشاء، به خصوص اندیشه های مستدل و قوی ابن سینا؛
- ۲- حکمت اشراق، اندیشه های شیخ شهاب الدین سهروردی؛
- ۳- عرفان اسلامی، به خصوص اندیشه های محیی الدین عربی؛
- ۴- تعالیم قرآن کریم و احادیث منقول از رسول خدا و ائمه اطهار.

### ۱۵- برخی از اصول اولیه حکمت متعالیه ملاصدرا را نام ببرید. ص ۹۲

- ۱- اصالت وجود؛
- ۲- وحدت حقیقت وجود؛
- ۳- مراتب داشتن وجود؛

### ۱۶- بنیادی ترین اصل فلسفی ملاصدرا چیست؟ و بر کدام مباحث فلسفی او اثر گذار بوده است؟ ص ۹۲

اصل اصالت وجود، بنیادی ترین اصل فلسفی ملاصدراست، که بر سایر مباحث فلسفی او اثر عمیق گذاشته و به آنها رنگ و بوی «اصالت وجودی» بخشیده است. به همین جهت گاهی فلسفه صدرایی را «فلسفه اصالت وجودی» هم می خوانند



## ۱۷- منظور از اصالت ماهیت در فلسفه چیست؟ ص ۹۳

برخی از فیلسوفان، از جمله میرداماد که استاد ملاصدرا بود، گفتند آن امر واقعی خارجی مصداق ماهیت است؛ یعنی آنچه واقعی است، ماهیت است نه وجود. پس «اصالت» با ماهیت است و وجود، صرفاً یک مفهوم انتزاعی ذهنی است. اذهان عادی هم این نظر را بهتر می‌پسندید؛ آری این «انسان» (همان ماهیت) است که واقعی است، نه وجودا کسانی از فلاسفه که این نظر را پذیرفتند «اصالت ماهیتی» نامیده شدند.

## ۱۸- منظور از نظریه اصالت وجود ملاصدرا چیست؟ ص ۹۲ و ۹۳

ملاصدرا بعنوان شاگرد قدرتمند میرداماد، گفت از میان این دو مفهوم، «وجود» است که اصیل و واقعی است و واقعیت خارجی، ما به ازاء و مصداق وجود است. پس وجود اصالت دارد، نه ماهیت. او می‌گفت: آنچه ما در خارج می‌یابیم، از آسمان و درخت و آب تا حیوان و انسان، همه مصداق وجودند؛ البته وجودهایی متفاوت و با نقص و کمالات متفاوت. ذهن انسان، وقتی به این وجودهای متفاوت نظر می‌کند، متناسب با تفاوت‌ها و خصوصیات هر کدام از آنها، تصورات و مفاهیمی از قبیل آسمان، درخت، آب، حیوان و انسان انتزاع می‌کند و آن وجودها را به این تصورات و مفاهیم، نام‌گذاری می‌کند و از هم متمایز می‌سازد و آنرا آنچه در خارج است، وجود است. بنابراین، جهان، چیزی جز «وجود» و حقیقت وجود نیست.

## ۱۹- اصل وحدت حقیقت وجود ملاصدرا را توضیح دهید. ص ۹۴ و ۹۵

ملاصدرا می‌گوید: هستی یک حقیقت و یک واحد حقیقی بیش نیست. او این نکته را با اصل اصالت وجود تلفیق کرد و گفت: حال که واقعیت اصالت با وجود است، نه ماهیت و وجود هم امر مشترک و واحد همان اشیا است، پس حقیقت، یکی بیش نیست و جایی برای تکرار واقعی در عالم وجود ندارد.

ملاصدرا با سلوک عقلی و استدلالی خود به همان حقیقتی رسید بود که عارفان با شهود دیده بودند

## ۲۰- اگر حقیقت یکی است، این کثرت‌ها، در جهان از کجا نشئت می‌گیرند؟ ص ۹۵

از نظر ملاصدرا، با اینکه هستی یک حقیقت واحد است، اما این حقیقت واحد، مانند نور است که شدت و ضعف دارد دارای درجات، مراتب و شدت و ضعف است.

در مقام تشبیه، این حقیقت واحد، مانند نور است که شدت و ضعف دارد و همین اختلاف در شدت و ضعف، سبب تمایز آنها از یکدیگر و پیدایش کثرت در جهان می‌گردد.

## ۲۱- نظریه تشکیک وجود ملاصدرا را با ذکر مثال توضیح دهید. ص ۹۵

از نظر ملاصدرا، با اینکه هستی یک حقیقت واحد است، اما این حقیقت واحد، دارای درجات، مراتب و شدت و ضعف است. یک حقیقت به نام «نور» داریم که در مرتبه ای قوی و در مرتبه ای ضعیف است. نور قوی نور است، نور ضعیف هم نور است. نور قوی از همان جهت که نور است قوی است و نور ضعیف هم از همان جهت که نور است ضعیف است. وجود نیز که حقیقت واحدی است، در تجلیات و ظهورات خود دارای مراتبی می‌شود و هر مرتبه ای از وجود، به میزان درجه وجودی خود، ظهور آن حقیقت واحد و یگانه (خدا) است.



# درس دوازدهم: حکمت معاصر

صفحه ۹۷ تا ۱۱۱

## سوالات متن

۱- دوران متقدم و متاخر در تفکر عقلانی فلسفی شامل چه زمانی می شود؟ ص ۸۱

دوره متقدم از آغاز ظهور اسلام تا ابتدای حکومت صفویان و دوره متاخر از عصر صفویه تا دوره معاصر می باشد.

۲- هدف علم کلام چیست؟ ص ۸۱

به دانشمندان علم کلام، متکلمین گویند، وظفه علم کلام دفاع از معارف دینی از طریق عقل و استدلال است.

۳- رقابت ها و مخالفت های علم کلام با فلسفه چه تاثیری بر فلسفه گذاشت؟ ص ۸۱

بسیاری از متکلمان با فلسفه مخالف بودند و از فیلسوفان انتقاد می کردند. برخی از این انتقادهای آن قدر شدید بود که فلسفه را پس از ابن سینا، در بخش هایی از جهان اسلام به رکود کشاند. البته در ایران این انتقادهای تأثیر کمتری داشت و فلسفه همچنان زنده ماند

۴- آغاز حکومت صفویه، در ایران چه آثار و نتایج فلسفی به دنبال داشت؟ ص ۸۱

با آغاز حکومت صفویه، ایران به نوعی ثبات و پایداری رسید. همین امر سبب شد که در پایتخت صفویان، یعنی اصفهان، علم و دانش رونق بگیرد و فیلسوفان بزرگی ظهور کنند و فلسفه وارد مرحله جدیدی شود.

۵- چند نفر از فلاسفه مشهور عصر صفوی را نام ببرید؟ ص ۸۱

میرمحمد باقر مشهور به میرداماد، شیخ بهاء الدین محمدبن حسین عاملی مشهور به شیخ بهایی، میرابوالقاسم فندرسکی مشهور به میرفندرسکی و بالاخره، محمدبن ابراهیم قوامی شیرازی معروف به ملاصدرا و درالمتألهین از فیلسوفان بزرگ عصر صفویه هستند.

۶- هدف فلسفی میرداماد چه بود؟ (مشرّب و روش فلسفی میرداماد چه بود؟) ص ۸۲

میرداماد که فیلسوفی مشائی بود، می خواست حکمت مشاء را با حکمت اشراق درآمیزد و فلسفه مشائی را تفسیری اشراقی کند.

۷- مشرب فلسفی شیخ بهایی و میرداماد چه تاثیری بر ملاصدرا گذاشت؟ ص ۸۲

مشرّب این دو استاد گران قدر که علاوه بر علوم روز، در عرفان و انوار قلبی هم از نوادر روزگار بودند، روح و جان ملاصدرا را با ذوق و عرفان نیز آشنا و دمساز کرد. در این دوره بود که صدرا به درک جدیدی از علم و معرفت نائل شد.

۸- چه عواملی سبب رشد و تعالی مقام فلسفی و عرفانی ملاصدرا گردید؟ ص ۸۴

خلوت گزینی و تفکرات و تأملات عمیق و طولانی و عبادت ها و ریاضت ها به تدریج عقل و جان صدرالدین را برای جهشی بلند در سپهر معرفت و حکمت مهیا ساخت. انوار حکمت بر او تابید و الطاف الهی پیوسته بر وی جاری گشت. اسرار و رموزی بر او آشکار شد که آن زمان آشکار نشده بود. وقتی آنچه را پیش از آن به برهان فرا گرفته بود از راه شهود قلبی به نحو برتر مشاهده کرد.



## ۹- آثار و تالیفات ملاصدرا را نام برید (اطلاعات کلی در مورد هر کدام از این آثار ضروری است). ص ۸۴

الاسفار الاربعه: که به «اسفار» مشهور است، دایره المعارف فلسفی ملاصدراست. ملاصدرا در این کتاب ضمن بیان نظر فلاسفه، نظرات ابداعی و مستقل خود را تبیین می کند.

شواهد الربوبیه: کتابی فلسفی است که با شیوه اشراقی تدوین یافته و از کتاب های اولیه ملاصدرا به حساب می آید. او آرا و نظرات اولیه خود را در این کتاب بیان کرده است.

تفسیر قرآن: که شامل تعدادی از سوره های قرآن کریم می شود.

«مفاتیح الغیب» و «اسرار الآیات» دو کتاب دیگر ملاصدرا درباره قرآن است.

المبدأ والمعاد: می توان خلاصه نیمه دوم اسفار دانست و شامل مباحث خداشناسی و معادشناسی است.

المشاعر: کتاب کوچکی است درباره وجود و موضوعات پیرامونی آن.

المظاهر الالهیه: مانند المبدأ والمعاد است، ولی در حجم کوچک تر.

حدوث العالم: کتابی است درباره چگونگی خلق جهان از نظر فلسفی. ملاصدرا در این کتاب، نظر فلاسفه یونان و فیلسوفان مسلمان را نقل و نقد می کند و نظر خود را ارائه می دهد.

## ۱۰- کتاب اسفار اربعه ملاصدرا به چه موضوعی می پردازد؟ ص ۸۴

این کتاب که به «اسفار» مشهور است، دایره المعارف فلسفی ملاصدراست. ملاصدرا در این کتاب ضمن بیان نظر فلاسفه، نظرات ابداعی و مستقل خود را تبیین می کند. این کتاب با الهام از سفر چهار مرحله ای عارفان تقسیم بندی و تنظیم شده است. و در نه جلد به چاپ رسیده است.

## ۱۱- دو کتاب المشاعر و حدوث العالم ملاصدرا به چه موضوعی می پردازند؟ ص ۸۵

المشاعر، کتاب کوچکی است درباره وجود و موضوعات پیرامونی آن.

حدوث العالم، کتابی است درباره چگونگی خلق جهان از نظر فلسفی. ملاصدرا در این کتاب، نظر فلاسفه یونان و فیلسوفان مسلمان را نقل و نقد می کند و نظر خود را ارائه می دهد.

## ۱۲- ملاصدرا چه مشرب فلسفی را بنیان نهاد و این کار نتیجه چه چیزی بود؟ ص ۸۵

فلسفه ای که ملاصدرا بنیان گذاشت و رسماً آن را «حکمت متعالیه» نامید، نتیجه تکاملی دو مشرب گذشته «فلسفه مشاء» و «فلسفه اشراق» و نیز انس دائمی وی با وحی الهی و قرآن کریم بود.

به عبارت دیگر، در شخصیت وجودی ملاصدرا برهان عقلی و شهود قلبی و وحی قرآنی با هم الفت یافته اند و از این الفت، فلسفه ای برآمده که سرآمد فلسفه های قبل است.

## ۱۳- آیا بهره مندی ملاصدرا از عرفان و شهود و وحی قرآنی فلسفه او را از معیار های فلسفی دور نمی کند و به عرفان یا کلام

تبدیل نمی کند؟ ص ۸۵

خیر، فلسفه او را از معیارهای پذیرفته شده در دانش فلسفه تهی نمی سازد و به عرفان یا کلام تبدیل نمی کند؛ زیرا وی در مقام فیلسوف می داند که میزان و ملاک فلسفی بودن یک متن یا سخن، را دارد، چون اولاً هر مبحثی که طرح می کند، به موضوع فلسفه، یعنی موجود بما هو موجود، مربوط باشد و به آن برگردد. ثانیاً متکی بر عقل و استدلال عقلی باشد، نه شهود قلبی و بیان نقلی.

ایشان این اصل را در آثار فلسفی خود، به خصوص در اسفار، مراعات کرده و در هر موردی که از شهود یا وحی الهی بهره برده، از این دو منبع نه به عنوان پایه استدلال بلکه به عنوان تأیید و شاهد کمک گرفته است.



#### ۱۴- با توجه به دیدگاه ملاصدرا، میزان و ملاک فلسفی بودن یک متن یا سخن چیست؟ ص ۸۵

میزان و ملاک فلسفی بودن یک متن یا سخن، عبارتند از اینکه: اولاً هر مبحثی که طرح می کند، به موضوع فلسفه، یعنی موجود بما هو موجود، مربوط باشد و به آن برگردد. ثانیاً متکی بر عقل و استدلال عقلی باشد، نه شهود قلبی و بیان نقلی.

#### ۱۵- منابع حکمت متعالیه را نام ببرید؟ ص ۸۵

- ۱- فلسفه مشاء، به خصوص اندیشه های مستدل و قوی ابن سینا؛
- ۲- حکمت اشراق، اندیشه های شیخ شهاب الدین سهروردی؛
- ۳- عرفان اسلامی، به خصوص اندیشه های محیی الدین عربی؛
- ۴- تعالیم قرآن کریم و احادیث منقول از رسول خدا و ائمه اطهار.

#### ۱۶- اصول فلسفی ملاصدرا را نام ببرید. ص ۸۶

- ۱- اصالت وجود
- ۲- وحدت حقیقت وجود
- ۳- تشکیک وجود
- ۴- حرکت جوهری

#### ۱۷- بنیادی ترین اصل فلسفی ملاصدرا چیست؟ و بر کدام مباحث فلسفی او اثر گذار بوده است؟ ص ۸۶

اصل اصالت وجود، بنیادی ترین اصل فلسفی ملاصدراست که بر سایر مباحث فلسفی او از قبیل رابطه علت و معلول، واجب و ممکن، مراتب عالم هستی و حرکت تأثیری عمیق داشته و رنگ دیگری به آنها داده است.

#### ۱۸- نظریه اصالت وجود ملاصدرا را توضیح دهید. ص ۸۶

از دیدن هر چیز خارج از ذهن دو مفهوم به ذهن ما می آید «وجود» و «ماهیت» مفهوم وجود در میان همه اشیا مشترک است اما هر شیئی ماهیت خاص خود را دارد. لذا ماهیت، جنبه تمایز و اختلاف اشیاست و وجود، وجه وحدت آنها. با این توضیحات ما از این دو مفهوم (وجود و ماهیت) به این نتیجه می رسیم که:

- ۱- وجود نشان دهنده وحدت موجودات است ← همه اشیا عالم در بودن و وجود داشتن با هم تفاوتی ندارند
  - ۲- ماهیت نشان دهنده کثرت موجودات است ← همه اشیا عالم از حیث ماهیت با هم متفاوت اند و از طریق ماهیت اشیا تفاوت آنها را با یکدیگر می فهمیم
- اما آنچه ما در خارج از ذهن می بینیم یک چیز بیشتر نیست و اینطور نیست که ما وقتی به یک شیء نگاه می کنیم یک وجود از او ببینیم و یک ماهیت، این جدا کردن وجود از ماهیت فقط در ذهن انسان اتفاق می افتد.
- حال، سوالی که پیش می آید آن چیزی که ما می بینیم آیا اصل وجودش است یا ماهیتش؟ اصالت با کدام یک از این دو است؟
- نظر ملاصدرا: ملاصدرا طی مباحث مفصلی ثابت می کند که واقعیت خارجی، مصداق مفهوم «وجود» است، به عبارت دیگر، آنچه واقعیت خارجی را تشکیل می دهد، وجود است نه ماهیت و آنچه واقعیت خارجی را تشکیل می دهد و در خارج اصالت دارد، وجود انسان و اسب و مانند آنهاست نه ماهیت. ماهیت انسان و اسب، مفهومی است که از این وجودها انتزاع می شود.

#### ۱۹- اصل وحدت حقیقت وجود ملاصدرا را توضیح دهید. ص ۸۷

ملاصدرا با تکیه بر اصالت وجود می گوید حال که اصالت با وجود است و وجود هم امری واحد و وجه مشترک بین همه اشیا است، پس، واقعیت خارجی امری واحد است. این حقیقت واحد همان اصل هستی اشیاست و اشیا و موجودات مختلف در حقیقت هستی با هم وحدت دارند.



## ۲۰- نظریه تشکیک وجود ملاصدرا را با ذکر مثال توضیح دهید. ص ۸۷

وجود، حقیقتی واحد است اما این حقیقت واحد، مراتب و درجاتی عالی دارد و به اصطلاح منطق دانان، حقیقتی مشکک است. تشکیک وجود، شدت و ضعف داشتن وجود مانند شدت و ضعف در نور است. نور، حقیقتی یگانه است اما شدت و ضعف دارد. در عین حال، شدت و ضعف نور از حقیقت نور خارج نیست. نور از همان جهت که نور است قوی است؛ نه اینکه با چیزی ترکیب شده و قوی شده باشد، و نور از همان جهت که نور است ضعیف است؛ نه اینکه با چیزی مثل تاریکی ترکیب شده و ضعیف شده باشد. و اینطور نیست که برای اینکه نور ضعیف شود با تاریکی مخلوط شده باشد و نور ضعیف بوجود آید، زیرا تاریکی چیزی جز نبود نور نیست. وجود هم همین گونه است. وجود قوی با چیزی خارج از خود ترکیب نشده است، زیرا خارج از وجود، چیزی نیست، وجود ضعیف هم به همین ترتیب.

## ۲۱- چند تن از فلاسفه معاصر که روش فلسفی آنها برگرفته از حکمت متعالیه است را نام ببرید. ص ۸۷

میرزا ابوالحسن رفیعی قزوینی، میرزا مهدی آشتیانی، آقامیرمحمد کاظم عصّار و آقا محمدرضا قمشه ای

## ۲۲- کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم علامه طباطبایی به چه موضوع و مباحثی می پردازد؟ ص ۸۹

علامه در این کتاب نه تنها ارکان ماتریالیسم را نقد می کند بلکه یک دوره فلسفه اسلامی را به گونه ای ارائه می دهد که پاسخ گوی مسئله های روز هم باشد.

# در پناه حق پیروز و موفق و سربلند باشید

خلیل شبانی نژاد دبیر فلسفه و منطق - استان فارس - شهرستان لامرد